

بختیار خائن توطنه ضد انقلاب ایران را افشای میکند



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۴۰
شنبه ۱۳۵۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریا

بختیار صریحا اعتراف میکند که جنگ برادر کشی رادر کردستان، عمل امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق پدید آورده اند و از آن بهره می برند.

امپریالیسم آمریکا به فعالیت مخرب مزدوران خود در ارتش امید بسیار بسته است.

پیشنهاد جمهوری دمکراتیک افغانستان درباره مذاکره با ایران - ابتکار مهمی است که باید از آن استقبال کرد

طبق گزارش خبرگزاری «باختر» افغانستان، دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان، روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه، به دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پاکستان پیشنهاد کرده است که پیرامون روابط دو جانبه با ایران و پاکستان و مسئله خروج واحسدای نظامی شوروی از خاک افغانستان مذاکراتی آغاز شود.

این نخستین بار نیست که دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان آمادگی خود را برای انجام مذاکره برای رفع سوء تفاهات در روابط با جمهوری اسلامی ایران و استقرار مناسبات دوستانه و حسن-

شاهپور بختیار، معروف به مرغ طوفان، که پس از آوارگی توسط مردم انقلابی ایران، ۱۶ ماه است که همراه با دیگر عمال از مجازات گریخته امپریالیسم آمریکا، فعلا نه علیه انقلاب ایران توطئه می کند، پس از بازگشت خود از بغداد (که حضور وی در عراق برای اولین بار توسط حزب توده ایران افشا شد)، در مصاحبه ای با نشریه فرانسوی «پاری ماچ»، مطالب مهمی را طرح کرده است.

بختیار، که از مذاکره با جنایتکاران بعث عراق و لزوم در پی توافق با صدام حسین بر روی توطئه های مشترک جهت نابود کردن جمهوری اسلامی ایران، بازگشته است، در پاسخ به پرسش خبرنگار «پاری ماچ» درباره اینکه، دوسر فرسخ خود بمراق به چه مسائلی برخورد کرده، میگوید:

«عراقیها خواستار ذره ای از خاک ایران نیستند، ولی میخواهند در بر این مملکت که قصد صدور انقلاب ایران به کشورشان را دارند، به مقابله برخیزند و بهمین دلیل است که عراقیها کردهای ایرانی را مسلح میکنند و به تحریک قبایل مرزنشین ایران می پردازند.»

حقیقت گفته و اعتراف جالبی است.

عراقیها کردهای ایرانی را مسلح میکنند و به تحریک قبایل مرزنشین ایران می پردازند.

کهنه است، زیرا ماههاست که حزب توده ایران نقش رژیم بعثی عراق و عمال آن چون کومله، شیخ جلال و شیخ عثمان، رزگاری و... را در ایجاد جنگ برادر کشی در کردستان افشا کرده و مصادها دلیل و مدرک از چهره این جنایتکاران تقاب بر گرفته است.

کهنه است، زیرا ماههاست که حزب توده ایران ماهیت واقعی جنگ برادر کشی در کردستان را آشکار ساخته و نشان داده است که این جنگ را چه کسانی ایجاد کرده اند و چه کسانی از آن بهره می برند، و بالاخره جالب است، زیرا حقیقت آنقدر آشکار است که حتی «مرغ طوفان» هم لزومی نمی بیند که کتمان کند که نقش رژیم بعثی عراق و مزدوران آن چون او در کردستان چیست و جنگ برادر کشی در کردستان بسود کیست؟

خوبست مسئولین صادق و متعهد جمهوری اسلامی ایران و نیز نیروهای که صداقت و تمهید نسبت به انقلاب ایران دارند، درقبال اعتراضات آشکار بختیار خائن، این مساله را یکبار برای همیشه برای خود حل کنند که:

آدمه جنگ برادر کشی در کردستان بسود کیست؟

پوششی که سخنان بختیار صریحا پاسخ آن را داده است: بسود امپریالیسم آمریکا، جنایتکاران بعثی و مزدوران آنها، چون بختیارها، پالیز بانها، کومله ها و... و نیز علوی ها.

آری علوی ها و این اعتراف ضمنی دیگر بختیار، در مصاحبه با «پاری ماچ» است، او میگوید:

«مطمئن باشید اگر انقلاب دیگری در ایران صورت بگیرد، قتیض آن از عراق خواهد بود، زیرا تاکنون بیش از یکبار افسر ایرانی در عراق تجمع کرده اند و بیشک اجتماع آنها در عراق برای ماهیگیری از شطرات نیست.»

جزئیات پاری ماچ، همچنین میگوید:

«شاهپور بختیار کوچکترین وحشی از ارتش ایران ندارد و... معتقد است که دیگر در ایران ارتشی در کار نیست.»

اگر عراق نهنه در برداشت پاری ماچ را حذف کنیم، این واقعت بدست خواهد آمد که امپریالیسم آمریکا و عمالش چون بختیار و اویس بر روی فعالیت مزدوران خود در ارتش، امید بسیار بسته اند، تا بجایی که حتی نیروی مقاومت ارتش رادرقبال توطئه های خطنواک خود جدی نمی گیرند.

اعلامه اخیر ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران درباره تحریکات درون ارتش نیز گواه دیگری بر فعالیت مخرب ضدانقلاب در درون ارتش است.

سخنان بختیار و پیش از آن اظهارات همالکیش اویس، همداری است که باید در نهایت مسئولیت و صداقت جدی گرفته شود.

آنتی که در کردستان بدست عمال امپریالیسم و رژیم بعثی عراق افروخته شده است، دودش مستقیما چشم انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران می رود. اتحاد کلیه نیروها برای مقابله جدی با توطئه های دشمن هنوز تحقق نیافته است و تلاشهایی که برای ممانعت از پیوستگی کلیه نیروهای مترقی و انقلابی بکار می رود، مستقیما به زبان انقلاب ایران تمام میشود. اینها همه موجب تضعیف جمهوری

فقط سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت بسود انقلاب است

در هفتاد سال گذشته ادوار کوتاهی نیز داشته ایم که مردم ایران، بر اثر مبارزات ضد امپریالیستی خود، ولو موقتا به استقرار دولتهای ملی نائل آمده و برای رهایی کشور خویش از غارت و استثمار امپریالیستی زمینه مساعد فراهم آورده اند. دوران ملی-شدن نفت ایران یکبار مهمترین این ادوار به شمار میرود. در این دوران، یعنی جنگی که استفاده از صنعت نفت ایران می توانست و تیفه تحکیم مبارزات ضد امپریالیستی و تثبیت موقعیت دولتهای ملی قرار گیرد، دول امپریالیستی و انحصارات نفتی، برای شکست این مبارزه و حفظ مواضع غارتگرانه خود در ایران، سیاست دیگری را در مورد صنایع نفت در پیش گرفته اند. تحریم خرید و درم پیچیدن صنایع نفت در چنین ادواری حربه اساسی امپریالیستها و انحصارات نفتی آنان بحالر شکست نهفت های ملی و بازگشت اوضاع بحالت سابق، یعنی تسلط رژیمهای مست نشاند و غارتگران امپریالیستی بوده است.

سیاست تحریم خرید نفت ایران، جلوگیری از صدور و فروش نفت در بازار بین المللی، متوقف ساختن و کارشکنی در فعالیت صنعت نفت، بمنظور مقابله با جنبش های ملی و استقلال طلبانه در کشور ما، از سیاست های شناخته شده امپریالیستی است. دول امپریالیستی به هدفقات این سیاست را در پیش گرفته و با اجراء آن زیان عظیم و جبران ناپذیری به منافع مردم ایران وارد ساخته اند. اعمال این سیاست در دوران ملی شدن نفت تأیید کالمی است بر این واقعیت.

تاکتیک دوگانه دول امپریالیستی و انحصارات نفتی در مورد بهره برداری از صنایع نفت در کشورهای زیر سلطه منحصر به کشور ما ایران نبوده است. در تاریخ بهره برداری از صنایع نفت جهان از یکصد سال به اینطرف، این تاکتیک دوگانه در همجا یکبار گرفته شده است. از طریق اجرای این سیاست، ضربات جدی به منافع ملل کشورهای نفتخیز درحال رشد و جنبش های انقلابی و استقلال طلبانه وارد آمده است.

در تأیید مطلب فوق از حوادث ملی شدن نفت در مکزیک، در نیمه اول قرن بیستم، تا حوادث اندونزی در اوایل دهه ۷۰-۶۰، از کودتاهای پیردین در کشورهای نفتخیز خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین، میتوان مثالهای فراوان ذکر کرد.

بنوان یک نمونه کلی، امپریالیستها و سردمداران انحصارات نفتی با سیاست رشد سریع و بیسابقه صنایع نفت در کشورهای نفتخیز درحال رشد، از رژیمهای مست نشاند حمایت کرده و به تثبیت مواضع غارتگرانه خود نائل شده اند. همین محافل با سیاست تحریم خرید و اجلال در صنایع نفت، به رژیمهای انقلابی، ملی و ضد امپریالیستی ضربه های سخت و کبر شکن وارد ساخته اند. اجرای تاکتیک مؤذنه دول امپریالیستی در خفه ساختن جنبش استقلال طلبانه در کشورهای نفتخیز، با استفاده از حربه تحریم خرید و اخلال در صنعت نفت، تا هنگامیکه امپریالیسم و انحصارات نفتی بر جهان تسلط مطلق داشتند، با موفقیت توام بود. اما از زمانی که تناسب نیروها در جهان بسود جنبش های آزادیبخش ملی تغییر یافته، بویژه از اوایل دهه ۶۰-۷۰، به اینطرف این تاکتیک با شکست های فاحش و جدی روبرو بوده است. از این زمان بید ما شاهد آن هستیم که ملل کشورهای نفتخیز در حال رشد، با اتخاذ سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت، نه تنها حربه تحریم خرید نفت را بدون اثر ساخته اند، بلکه توانسته اند مقاومت مدبوجانه دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی را ختنی و آنان را به شناسایی حقوق ملی خود در نفت وادار سازند.

بنوان نمونه ای از شکست فاجعی دول امپریالیستی در کاربرد سلاح تحریم و خرابکاری در صنایع نفت، به منظور شکست جنبش های انقلابی و استقلال طلبانه، میتوان از وضع جمهوریهای الجزایر و لیبی مثال آورد.

دول امپریالیستی و انحصارات نفتی آنان در کشورهای الجزایر و لیبی، با تاکتیک توسعه سریع و بیسابقه صنعت نفت، از رژیمهای مستمراتی و مست نشاند حمایت بعمل می آورند. ولی همینکه در این کشورها رژیم های انقلابی و ضد امپریالیستی روی کار آمد، تاکتیک دول امپریالیستی و انحصارات نفتی آنان

باید به موازات جریانات سندی و ستر، خود را برای کمک به شهرهای کردنشین آذربایجان غربی، بسیج میکردیم و این درست نیست که اگر در آن منطقه عده ای بادولت سرسبز دارند، ما مردم این منطقه را تحت فشار بگذاریم و خدای ناکرده عملا

باید به موازات جریانات سندی و ستر، خود را برای کمک به شهرهای کردنشین آذربایجان غربی، بسیج میکردیم و این درست نیست که اگر در آن منطقه عده ای بادولت سرسبز دارند، ما مردم این منطقه را تحت فشار بگذاریم و خدای ناکرده عملا

نفت ایران و مرور کوتاهی در تاریخ حوادث داخلی و جهانی نفت (۱)

نفت دنیا، منجمله نفت ایران، تاریخ پرماجرا و مشحون از حوادث سیاسی و اجتماعی دارد. از پیش از ۷۰ سال به اینطرف، با آغاز غارت ذخایر نفت ایران، اسارت امپریالیستی و نواستعماری کشور ما ایران شروع میشود و طبق گفته معروف، «نفت به برای ایران» بدل میگردد.

امپریالیسم در سالهای تسلط رژیم های دست نشاند در کشور ما، با استفاده از سرعت بخشیدن به رشد صنایع نفت و شکوفایی بیسابقه این صنعت عظیم، موجبات تشدید غارت ذخایر نفت، استثمار زحمتکشان، اسارت سیاسی و اقتصادی و عقب ماندگی اجتماعی ایران را فراهم آورد. هم شرکت غاسب انگلیسی نفت و هم کسرسیوم بین المللی نفت در دوران سلطنت پهلوی، پدر و پسر، این سیاست را در مقیاس وسیع بکار بستند. آنها از اجرای این سیاست امپریالیستی برای بسط و تحکیم تسلط غارتگرانه و ظالمانه خود استفاده های سرشار کردند.

ساست رشد سریع و بیسابقه صنعت نفت ایران در دوران رژیمهای دست نشاند در هفتاد سال گذشته، سیاست تشدید غارت ذخایر نفت و استثمار زحمتکشان، تحکیم اسارت سیاسی و اقتصادی و محروم داشتن جامعه ایران از استقلال و آزادی بوده است.

مسائل بنیادی نفت ایران در شرایط پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی به تقصیل در منجمله «دنیاه» شماره ۲۴۰ مورد بحث قرار گرفته است. در این نوشته قصد آن داریم که به تحلیل جوانب مختلف سیاست فعال با انقلابی ضد امپریالیستی در نفت بپردازیم و مسائل مشخص سیاست نفتی را، که در شرایط محاصره اقتصادی و تهدید مهاجم نظامی امپریالیسم، بسود انقلاب ماست، مورد مطالعه قرار دهیم.

نفت مسئله مرکزی و محوری اقتصاد ماست. هر چه از جوانب و زوایای بیشتری به این مسئله بپردازیم، کم و بیش برداشته ایم. درباره مسئله ای که بحق میتوان گفت تا همین پیروزی کامل انقلاب از جمله در گرو حل قاطع آن است، باید پیش از این گفت و نوشت.

در صفحات بعد

رضا سوخته سرائی به خبرنگار ما گفت:
شانس پیروزی تیم کشتی ایران در مسابقات المپیک مسکو زیاد است
صفحه ۷

تأمین اجتماعی
باید کلیه زحمتکشان را در بر گیرد
مسائل کارگری - صفحه ۴

صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران
به وظایف انقلابی خود عمل نمیکند
در مین بخش مقاله - صفحات ۶ و ۳

روستاهای الیگودرز در انتظار تحول
مسائل دهقانی - صفحه ۵

چرا گروه های تشنج و آشوب تعقیب نمیشوند؟
صفحه ۲

تصمیم درست شورای انقلاب دایر به لغو قراردادهای تهاوری و گذار به بنادله عادی بازرگانی خارجی میان ایران و کشورهای سوسیالیستی
صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

چرا گروه‌های تشنج و آشوب تعقیب نمی‌شوند؟

اگر بخواهیم جمهوری اسلامی نوپدید ما بر روی لاشه دوازده‌روزه‌ی صدها سال سلطنت در سایه نظم و امنیت پایدار و تیز به پایداری، در راه استقلال، آزادی و آبادانی میهن مان ۳۴ برداریم، ضرور است که انقلاب ما، مانند هر انقلاب خلقی و ضدامپریالیستی، در پیسته کشور آنگنان امنیت سیاسی و اجتماعی مستقر سازد که در پرتو آن، نه تنها «نظم و امنیت» گذشته که افزای سرکوب و غارت و استثمار مردم میهن ما بسود سرمایه‌داران وابسته و امپریالیست‌ها بود، برانداخته شود، بلکه محیط سالم و سرشار از روح دگرگونی برای فعالیت نیروهای انقلابی و مترقی، که برای تحکیم و تعمیق و گسترش دستاوردهای انقلاب تلاش می‌ورزند، فراهم گردد. طبیعتاً تأمین نظم و امنیت سیاسی و اجتماعی از تضمین و حراست آزادی‌های فردی و اجتماعی مصرحه در قانون اساسی و سرکوب قاطعانه سنگ‌انداختن در این راه بر دوش دولت برخاسته از انقلاب است.

روز دوشنبه قرار بود میتیگی بدون اجازه‌نامه رسمی وزارت کشور، از جانب سازمان «بیکار» در دانشگاه تهران برگزار شود، که خود این امر یعنی گروه‌های غیرقانونی، اقدامی آگاهانه برای ایجاد برخورد و درگیری، و نیز دعوی حادثه‌جویانه برای دامن زدن به محیط سرشار از تشنج و توطئه است.

در پی آن، بر حسب معمول، گروه‌های سازمان‌یافته دیگری با شعار «حزب فقط حزب‌الله» در مراسم حضور یافتند. بعد از بروز درگیری و سنگ‌اندازی در داخل دانشگاه، و از هم پاشیده شدن اجتماع حاضر در زمین چمن دانشگاه، دامنه برخورد به خیابان شازده آذر کشیده شد و با گذشت مدت زمان

بلکه برهنه و عریان است و کوباری از تشنج و درگیری و تفرقه را به همراه دارد.

سهل‌انگاری در تلاشی این شبکه‌ها و گروه‌های متشکل آزادی‌گش، به آنها قوت قلب می‌بخشد و هریار با جسارت بیشتری وارد میدان میشوند. با آنکه مقامات مسئول و از جمله رئیس‌جمهور و سرپرست وزارت کشور اینگونه اقدامات را تعقیب نموده‌اند، و قرار به تعقیب این گروه‌ها بوده، اما متأسفانه یورش‌ها ادامه یافته است.

آقای میرسلیم معاون سیاسی و اجتماعی وزارت کشور و سرپرست شهربانی کل کشور چندین‌بار در مورد این گروه‌ها گفت: «در مقابل کسانی که با شعار حزب فقط حزب‌الله قانون اساسی را زیر پا می‌گذارند، ایستادگی نمی‌کنیم... اینگونه اخلال-گران را دستگیر خواهیم کرد» (اطلاعات ۱۸/۱۲/۵۸)

و به فاصله چند روز، آیت‌الله مهدوی‌کی اعلام داشت: «مهاجمان به افراد و گروه‌ها بازداشت می‌شوند».

در تاریخ ۵۹/۲/۲۷ دبی تشدید فعالیت ضدانقلاب، کمیته مرکزی انقلاب اسلامی طی اطلاعیه‌ای ضمن بیان اینکه عده‌ای قصد حمله به دفتر احزاب و سازمانها را دارند، اعلام داشت: «به این گروه افرا، که ماهیت آنها مشخص است، شدیداً اخطار میکند و اعلام می‌دارد با شدت تمام از خرابکاری جلوگیری خواهد نمود».

و آقای بنی‌صدر، رئیس‌جمهور نیز در سخنرانی خود در جریان برگزاری سمینار انقلاب فرجنگی اظهار داشت که جماعت حاکم بر اجتماعات است.

برای حراست از انقلاب و پایان دادن به حاکمیت چماق، قطبیت انقلاب، و وارد آوردن ضربات در هم‌شکن بر پیکر ضدانقلاب از طریق دستگیری و مجازات برپاکنندگان این آشوب‌ها ضرور است. قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آزادی‌های اساسی مردم، مطبوعات و سازمانها تأکید کرده است. مسئولان اجرائی کشور، بهترین وظیفه‌شان تحقق‌بخشیدن به مواد قانون اساسی است. غفلت از انجام این وظیفه مهم، بی‌جهت توجیه‌پذیر نیست.

کوتاهی، طرفین برخورد، یعنی گروه «حزب‌الله» و گروهک ضد انقلابی «بیکار» متحداً به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران حمله کردند. در این یورش گستاخانه، آنها تابلوی اعلامات را تخریب و پوست‌ها و پلاکاردهای مقابل دبیرخانه را پاره کردند. آنچه مایه تأسف و نگرانی بسیار است، عملکرد گستاخانه آنها بود که، برغم حضور پاسداران، که مانع از ورود آنان به دبیرخانه شدند، با کمال بی‌بروبایی به عملیات تخریبی خود ادامه می‌دادند.

این حمله، اولین یورش به دبیرخانه حزب ما نیست. از چندین بعد از انقلاب، هر چند یکبار از سوی گروهی که با شعار «حزب فقط حزب‌الله» وارد میدان می‌شود، و گروهک‌های مائولیستی چنین حملاتی به‌دفاقت و مراکز احزاب و سازمانها انجام می‌گیرد. البته این حملات تنها متوجه حزب توده ایران نیست، بلکه

دیگر نیروها را نیز زیر پوشش محراب خود می‌گیرد. روشن است که باید به این وضع پایان داده شود. باید بیدرنگ ضدانقلاب را در هر لباسی و با هر شعاری، سرکوب کرد، در غیر اینصورت سرنوشت خونین و فاجعه‌باری در انتظار انقلاب است، و همانگونه که یکبار آیت‌الله رفسنجانی گفت: «اگر ضدانقلاب پیروز شود و انقلاب به خون کشیده شود، همه ما از چه و راست زیر تیغ می‌رویم».

بر اساسی جز این نیست. آنچه عوامل و ایادی امپریالیسم هر روز انجام می‌دهند جز تضعیف و سست کردن پایه‌های جمهوری نوپای ما نیست. آنچه آنها انجام می‌دهند دیگر نه به‌شبهه خنجره،

فقط سیاست فعال ضد امپریالیستی...

بقیه از صفحه ۱

در مورد بهره‌برداری از صنایع نفت آنان عوض شد و سیاست تحریم خرید نفت و اخلال در فعالیت صنایع نفت در دوران رژیم‌های انقلابی و ضد امپریالیستی، جانشین سیاست رشد سریع و بی‌سابقه صنعت نفت در دوران تسلط استثمار و رژیم‌های دست‌نشانده گردید. هدف این بود که با محروم داشتن دولتهای انقلابی از امکانات مهم فعالیت صنعت نفت، این رژیم‌ها در مقابله با مشکلات از پا درآیند.

دول انقلابی الجزایر و لیبی درست در مقابله با همین «کتیک مزورانه دول امپریالیستی و انحصارات نفتی بود که توانستند مواضع انقلاب را تحکیم کنند و آرزوی غارتگران نفت را در بازگشت دادن اوضاع سابق بدل به یاس گردانند.

آنچه به دول انقلابی الجزایر و لیبی امکان داد که پیروزی مبارزات ملی و شرقی خود را تأمین کنند، در پیش گرفتن سیاست فعال ضد امپریالیستی در استفاده از سلاح نفت بود. دول الجزایر و لیبی، در مقابله با تانک امپریالیستی تحریم خرید نفت و اخلال در فعالیت صنایع نفت خود، نه تنها با سیاست انفعالی ضد امپریالیستی، دست‌بسته تسلیم نتایج تلخی که چنین سیاستی بیار می‌آورد، نشدند، بلکه با سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت، یعنی تلاش همه‌جانبه برای رشد و شکوفایی صنعت نفت پس از انقلاب و حفظ مواضع خود در بازار جهانی فروش نفت، به مقابله جدی با دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر نفتی آنان برخاستند. در این مبارزه پیروزی با دول انقلابی الجزایر و لیبی بود.

سلاح تحریم خرید نفت و اخلال امپریالیستی در فعالیت صنایع نفت در کشورهای نفت‌خیز در حال رشد، سلاح تخریبی کارآ و برائی است. اما باید دانست که در زمان ما سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت سلاحی برتر و کارا تر است.

تاسیب نیروها در صحنه بین‌المللی، منجمد در مبارزه بین کشورهای نفت‌خیز در حال رشد و دول انحصارات امپریالیستی نفت، پس از انقلاب‌های الجزایر و لیبی، بطرز فاحش‌تری بر زبان امپریالیستها و بسود مللی که برای استقلال و رهایی از تسلط نفت‌خواران امپریالیستی مبارزه می‌کنند، تغییر یافته است. بهین جهت به صراحت می‌توان گفت که کارایی سلاح امپریالیستی تحریم خرید نفت و اخلال در صنایع نفت کشورهای نفت‌خیز در حال رشد

از جانب امپریالیستها، امروز به مراتب کمتر و پیروزی سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت ظلمت‌تر و خشم‌تر از گذشته است.

الجزایر، لیبی و کشورهای نفت‌خیز دیگری که در دو دهه اخیر موفقانه «کتیک تحریم خرید و اخلال در صنایع نفت خود را بی‌اثر ساخته‌اند، در مقایسه با شرایط امروز از امکانات محدودتری در مقابله با دول امپریالیستی و انحصارات نفتی برخوردار بوده‌اند. ایران انقلابی ما از نظر امکانات جهانی مقابله با سیاست‌خراش کارانه تحریم خرید و اخلال در فعالیت صنعت نفت در وضع بسیار مساعدتری قرار دارد. همچنین از نظر موقع و مقام صنعت نفت در داخل نیز ایران شرایط به مراتب مطلوب‌تری برای خنثی‌ساختن هر نوع توطئه امپریالیستی و انحصارات نفتی آنان علیه خود در اختیار دارد.

پس وجود زمینه‌های مساعد برای تأمین موفقیت کشور ما در نبرد با انحصارات امپریالیستی نفت امری کاملاً محقق و متین است. گره اصلی مسئله در این شرایط آست که، ما به‌دست خود بچاهی که دول امپریالیستی و انحصارات نفتی، با سیاست حیل‌گرانه تحریم خرید و اخلال در صنایع نفت در سر راه انقلاب ما کنده‌اند، سرازیر نشویم.

دول امپریالیستی سعی دارند با سیاست تحریم خرید نفت و متوقف ساختن فعالیت صنعت نفت ایران انقلاب ما را بزبانو درآورند. امید آنان نیز اینست که با تحویل سیاست انفعالی در نفت به کشور ما، راه خود را در حرکت بسوی هدف بازگشت اوضاع بحال سابق هموار کنند. درست در همین جاست که ما باید از پذیرش سیاست انفعالی ضد امپریالیستی، در نفت، که منی آن رو آوردن به تر «اقتصاد بدون نفت» است، یا تمام قوا امتناع ورزیم. ما باید سیاست فعال ضد امپریالیستی نفت‌را، که منی آن استفاده کامل از همه توان صنعت نفت ایران است، پیاده سازیم. بیکار گیریم. درست با چنین سیاستی است که خواهیم توانست امید دول امپریالیستی را درخفه‌ساختن انقلاب ایران با استفاده از سلاح نفت برای همیشه بگور بسازیم.

مسئله اساسی نفت و انقلاب ایران در لحظه کنونی در اینجاست که نه فقط به سیاستی که هدف آن تطویل فعالیت صنعت نفت است، تسلیم نشویم، بلکه با اعمال سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت، رشد واقعی و همه‌جانبه صنعت نفت خود را مستون فقرات اقتصاد ملی خود قرار دهیم. در شرایط پس از پیروزی انقلاب، باید هر چه سریع‌تر به پاکسازی صنایع نفت خود از تسلط سیاسی،

اقتصادی و مالی انحصارات امپریالیستی اقدام کنیم و صنایع نفت خویتی را از وضع وابستگی و تک‌مصولی درآوریم. صنعت نفت در تمام جهات و جوانب آن باید بصورت صنعتی فعال، کارا و پویا پشتوانه اقتصادی انقلاب قرار گیرد و درآمد حاصل از این، صنعت عظیم ملی باید وثیقه رشد سریع و شکوفان مجموعه اقتصاد ملی باشد.

آیا می‌توانیم در شرایط تحریم اقتصادی دول امپریالیستی و تهدید تهاجم نظامی امپریالیسم آمریکا و تشدید فعالیت ضد انقلاب داخلی، به رشد و شکوفایی صنعت نفت خود نائل آئیم و آنرا وثیقه و پشتوانه عده پیروزی قرار دهیم؟

پاسخ ما متفاوت است. آنها که پذیرای سیاست انفعالی نفت هستند، به این سؤال پاسخ منفی می‌دهند و در نهایت امر به اجرای سیاست اقتصاد بدون نفت نظر دارند. بگمان ما اگر این گونه افراد بصد به خطاه نروند، مسلماً دچار گمراهی بسیار زیان‌بخشی هستند، زیرا حرکت در این جهت و قبول سیاست انفعالی در نفت، صنایع نفت ایران را به زکود و وقفه خواهد کشانید و فاجعه بیار خواهد آورد، یعنی همان نتیجه‌ای که امپریالیستها با اعمال سیاست تحریم خرید نفت و اخلال در صنایع نفت درصدد تسویل آن هستند.

ما بصراحت پذیرش سیاست انفعالی در نفت را رد می‌کنیم و آنرا از نظر منافع انقلاب مضر و خطرناک میدانیم. ما بدولت انقلاب و مسئولین جمهوری اسلامی، بی‌اطلاع حفظ انقلاب، اتخاذ و اجرای سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت را توصیه نمی‌کنیم. ما معتقد هستیم که حفظ امکان اجرای کامل و پیروزمند این سیاست در اختیار ماست، بلکه این تنها سیاست ممکن در نبرد تثبیت پیروزیهای انقلاب ضد امپریالیستی، دگرگونی و خلقی و پیشبرد این انقلاب در آینده بشمار می‌رود. تنها با اتخاذ سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت است که می‌توانیم تلاش امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی‌را، که می‌خواهد با طمانبقت انقلاب را خفه کند، خنثی سازیم و امپریالیسم و انحصارات نفتی را به تسلیم در برابر انقلاب عظیم مردم ایران وادار سازیم.

سؤال میشود: چگونه و به چه شکل باید به اجرای سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت بپردازیم؟ با ذکر تجارب سیاست‌نفتی دولتهای انقلابی الجزایر و لیبی در دوران پس از پیروزی انقلاب در آن کشورها، و سپس پرداختن به وضع مشخص کشور خود، به این سؤال پاسخ می‌دهیم.

این بحث ادامه دارد

بختیار خانی...

بقیه از صفحه ۱

اسلامی ایران و امیدواری دشمنان انقلاب ایران است. امیدواری دشمن، ضعف انقلاب ایران است. دشمن را باید ناامید کرد و انقلاب را تقویت نمود.

چنگ بر آرد کشی را باید در کردستان متوقف ساخت. ارتش را باید قاطعانه از مزدوران دشمن تصفیه کرد. اتحاد نیروها را تأمین و تحکیم نمود. بر هیاتری مردم افزود. ضد انقلاب را قاطعانه

کنار بیایند، ناامید بشوند...

این اظهارات بختیار خانی و هم‌دستان وادارهاش نیز زبان در حقوم خواهند کشید و انقلاب ظفر مدنه‌ها به پیش خواهد رفت.

حرف‌های بختیار خانی بهین جا خاتمه نمی‌یابد. او چندان که مینماید، امیدوار نیست، او می‌گوید:

«ضعف سیاست کارگر باعث شده تمام آنها لیکه با وجود نفرت از امپریالیسم، امید داشتند با کارگر»

پیشنهاد جمهوری دمکراتیک افغانستان...

بقیه از صفحه ۱

بنظر ما، با برخوردی واقع بینانه و عاری از پیشداری، به این واقعیت می‌توان پی برد که میان جمهوری دمکراتیک افغانستان و جمهوری اسلامی ایران هیچگونه اختلاف و مناقشهای که نتوان از طریق مذاکرات دوستانه به رفع آنها دست یافت، وجود ندارد. برعکس، میان دو کشور، چه از لحاظ همگونگی فرهنگی و قومی و دینی و موقعیت جغرافیایی و چه از لحاظ شرایط سیاسی در منطقه و مبارزه بر ضد امپریالیسم آمریکا و وجه مشترک بسیاری وجود دارد، که با تکیه بر آنها، می‌توان میان دو کشور روابط دوستانه و نزدیکی برقرار ساخت. استوار و حسب

دمکراتیک افغانستان و طبق ماهده موجود میان دو کشور انجام گرفته، فقط مربوط به دولت افغانستان و حقوق و اختیارات آن است. این مسئله نمیتواند انگیزه قانونی و منطقی جهت تیره کردن روابط با افغانستان و یا اتخاذ مواضع خصمانه نسبت به جمهوری دمکراتیک افغانستان باشد. به‌ویژه که تمام کوشش امپریالیسم آمریکا، چین و رژیم‌های وابسته به آمریکا در منطقه در آن سمت است، که با دامن زدن به کارزار تبلیغاتی ضد شوروی و ضد افغانی، تدارکات جنگی و توطئه‌ها و اقدامات تهاجمی امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مستقل ملی در منطقه را استوار کنند و آنرا موجه و نامود سازند. در حالیکه این تدارکات جنگی و توطئه‌ها در افغانستان و تحریکات قبل از همه انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران و نیز جمهوری دمکراتیک افغانستان را مورد تهدید قرار میدهد.

رژیم‌های مستقل ملی در منطقه، که در مواضع ضد امپریالیستی خود پایرجا و پیگیر هستند و نیز جنبش‌های رهایی‌بخش ملی، همچنانکه از انقلاب ایران پشتیبانی میکنند، نسبت به انقلاب دمکراتیک افغانستان نیز آبراز همبستگی و پشتیبانی می‌نمایند و توطئه‌های امپریالیستی علیه این دو کشور را محکوم می‌کنند.

جمهوری اسلامی ایران با

اندازه با رژیم ملی و دمکراتیک در افغانستان سبزه‌جویی میکند و تمام نیروهای ضد انقلاب در منطقه را علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان بر میانگیزد. پدیدن ترتیب انقلاب ایران و انقلاب افغانستان و خلقیای این دو کشور در سیما امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ضد انقلابی و دست‌نشانده در منطقه دشمنان مشترکی دارند.

طبیعی است که رویدادهای درونی هر کشور کار داخلی آن دولت قانونی آن کشور است، که اختیار و مسئولیت اداره کشور را بعهده دارد. مسئله ورود واحد‌هایی از ارتش شوروی که بنا به تقاضای دولت قانونی جمهوری

ضد امپریالیستی و دمکراتیک در افغانستان طرح‌های گوناگونی را بمرور اجرا گذارده‌اند، که همه آنها در برابر مقاومت و دفاع مردم افغانستان از رژیم ملی و دمکراتیک خود و در پرتو همبستگی بین‌المللی با انقلاب مردم افغانستان، عقیم مانده و با شکست زورپور شده‌اند.

انقلاب‌های افغانستان و ایران، هر دو با هدفیای مشترک ضد امپریالیستی و استقلال‌طلبانه و به نفع توده‌های زحمتکش پیروز شده‌اند، و بهین علت هدف توطئه و تهدید از جانب امپریالیسم آمریکا و نیروهای ضد انقلاب درونی قرار گرفته‌اند.

امپریالیسم آمریکا بهمان

محاصره اقتصادی...

بقیه از صفحه ۱

آنها را به‌صاف ضد انقلابیون سوق دهیم... چرا وقتی در سقر جنگی و درگیری است، در شهر پیرانشهر در مضیقه قرار می‌گیرد و چرا سردشت که بصورت جزیره آرام در میان تلاطم طوفانهای کردستان قرار گرفته است، توسط افراد غیر-مسئول در فشار کمبود ارزاق عمومی می‌فتد که ضد انقلاب هوس بهم زدن آرامش آنرا نماید...؟

چند روز قبل نیز فرماندار مهاجد، یعنی شهری که به کوشش نیروهای صلح دوست، مترقی و انقلابی، ضد انقلاب نتوانسته است در آن آتش‌چنگک برافروزد، ضمن اشاره بهین مطلب گفت:

«مهاجد در محاصره اقتصادی قرار دارد و هر چه ما به مقامات مرکزی متوسل می‌شویم، متأسفانه نتیجه‌ای نگرفتیم. از نظر سوخت گازوئیل برای وسائل کشاورزی در مضیقه هستیم و اگر در این مورد فکری نشود، کشاورزی منطقه نابود خواهد شد».

اذاکر افادان تراکورها، کرسکی مردم، نابود شدن محصولات کشاورزی و دار و ندار زحمتکشان روستا، بود کیست؟ چه کسانی میکوشند تا آتش‌چنگک بر آرد کشی را به هم شهرهای کرد-نشین سرایت دهند؟ چه کسانی در اینسو برای ضد انقلاب آتسوباته می‌سازند و تلاش نیروهای صلح-طلب و مدافع جمهوری اسلامی ایران را در جهت ممانعت از گسترش جنگ بر آرد کشی خنثی می‌کنند؟

چرا پیرانشهر، سردشت و مهاجد، ضد انقلاب نتوانسته است آتش جنگ را در آنها بر-افروزد، محاصره اقتصادی می‌شوند؟ آیا ضد انقلاب به کسین نشسته، «دلیلی» قاطع تر از این می‌تواند برای روستائیان رنج‌دیده و گرسنه اراده‌د تا به آنها بقولانده که «جمهوری اسلامی ایران قصد نابودی شما را دارد». آیا برای تخریب و بهین ساختن مردم زحمتکش کرد نسبت به جمهوری اسلامی ایران و کشاندن آنها به ورطه جنگ خاقان برانداز، راهی «بهتر» از این وجود دارد؟ چگونه در شرایط محاصره اقتصادی مردم صلح‌طلب و رنج‌دیده کرد، میتوان از آنها خواست که فریب تبلیغات مسموم ضد انقلاب را نخورند؟ آیا دست‌هایی که بدبستان توده‌های مردم را نسبت به رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بهین می‌سازند، در خدمت جمهوری اسلامی ایران و انقلاب ایران هستند؟

محاصره اقتصادی مردم زحمتکش که اگر چند روز بگذرد، محصول خود را از دست خواهند داد، بسود تأمین صلح نیست، بسود دشمنان صلح و انقلاب ایران است. دست‌های مشکوک‌تری که توطئه می‌کنند و میخواهند جمهوری اسلامی ایران را در خون خلق کرد فرغ کنند، با قاطعیت قطع کنید. به محاصره اقتصادی مردم کرد خاتمه دهید.

این بسود جمهوری اسلامی ایران و انقلاب ایران است.

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

دیداری از روستای سیاهقل علیا (مهاباد)

موقیبت ده و جمعیت

روستای سیاهقل علیا در ۲۰ کیلومتری جنوب غربی مهاباد واقع شده است. این روستا در منطقه‌ای سردسیر واقع شده و در زمستانها یخبندان است.

این ده حدود ۳۰۰ نفر جمعیت و در حدود ۳۸ خانوار دارد. عده‌ای از جوانان نومردان ده برای پیدا کردن کار به اطراف عده‌ای هم برای کار در آجرپزی‌ها به تبریز رفته‌اند.

مدرسه ده برای پاره‌دستی و کهنه‌گی فرودخته و بیجه‌مجبورند در فضای باز و در دشت درس بخوانند. اکثریت بچه‌های ده بر اثر فقر و تنگدستی والدین خود مجبورند در کارها به آنها کمک کنند و در نتیجه از تحصیل بازمانده‌اند.

برق، آب، پزشک و دارو نیست

ده سیاهقل علیا حتی از کمترین امکانات رفاهی برخوردار نیست. این ده برق ندارد و تنها محل آب مورد استفاده اهالی کانی است که گاهی اوقات بر اثر طغیان رودخانه، آب کانی با رودخانه مخلوط میشود و اهالی ناچارند از آب رودخانه استفاده کنند. در ده نه پزشکی است، نه درمانگاه‌ها

گذری به روستا

و نه دارو. فقط یکبار یک اکب بزشکی به روستا رفته و دارو و وسایل لازم را در اختیار روستائیان قرار داده است. در زمستان اگر کسی بیمار شود، به علت نبودن امکانات پزشکی و بسته بودن راه، در ده میماند و می‌میرد.

مشکل دیگر - خرابی جاده و نبودن دکان

جاده خاکی که مارپا به ده میرود، از بیخ و بن خرابی زیادی می‌گذرد. به علت شرایط جغرافیایی منطقه و نبودن جاده خوب و قابل استفاده، ارتباط اهالی روستا با شهر در زمستان غالباً قطع میشود و در تابستان گرد و غبار فراوان جاده روستائیان را ناراحت می‌کند. در این روستا حتی یک دکان کوچک وجود ندارد و اهالی مجبورند برای کترین خرید چیزی و حتی برای خرید یک آسیرین کیلو مترها راه را بپیمایند و بشیر بیایند.

کشاورزی و دامداری روستا

اکثریت اهالی ده کارگر و خوش‌نشین‌اند. بجز چند نفر، بقیه

فاقد زمین هستند. زمینهای ده مرغوب نیست. تعدادی از اهالی مقداری دام دارند، که درآمد خود را از فروش آنها تأمین میکنند. زنان و دختران ده عموماً خانه‌دارند و به کارهای ساده از قبیل دوختن شیر داسها و کارهای دیگر می‌پردازند.

در گفتگویی که با چند نفر از اهالی ده داشتیم، آنها مشکلات خود را بیان داشتند. زنی باسم فاطمه اظهار داشت:

«ما اینجا هیچ چیز نداریم. شوهرم کارگر ساختمانی است و برای پیدا کردن کار به شهر رفته، فرزند دارم و خودم گاو و گوسفند مردم را نگهداری میکنم. آقا، بگوئید بوضع ما رسیدگی کنند.»

به مسجد کهنه ده، که محل تجمع مردان کهنسال ده است، میرسیم. پیشماز مسجد ده پاما به گفتگو می‌نشینیم. در حالی که با خستگی به دیوار مسجد تکیه میکند، میگوید:

«وضع ما بسیار ناراحت کننده است. مدرسه ده ویران شده و غیر قابل استفاده است و بچه‌ها مجبورند در هوای آزاد درس بخوانند. آب و برق نداریم. جاده خاکی هم مناسب نیست. با توجه به اینکه چون منطقه ما سردسیر است، زمستانها برف فراوانی میبارد و جاده را می‌بندد، اینجا از دستر و

دارو خیری نیست. تنها یکبار گروهی از اکب پزشکان دلسوز به ده آمده و به اهالی درمان و دارو دادند. مسجد ده هم به علت کهنگی در حال فروریختن است. مالز امام و دولت جمهوری اسلامی میخواهد به خواستهای ما رسیدگی کنند و ما را از این وضع خلاص کنند.»

میرمدی، که مشغول جاق کردن جیق خوشی است، می‌گوید:

«فرزند ندارم و به علت پیری نمیتوانم کار کنم و مردم بمن کمک میکنند.»

شخصی بنام عزیز علی‌پور اظهار میدارد:

«زارعم، اما چون زمینهای کم است و دیدی است، مجبورم به کار دیگری بپردازم. بعد از یکی دو ماه دیگر آب کانی ورودخانه قطع میشود و ما از لحاظ تأمین آب دچار مشکل بزرگی میشویم.»

در گوشه و کنار کودکانی را می‌بینیم. وقتی از آنها سؤال می‌کنیم که درس می‌خوانید یا نه، جواب میدهند که به علت فقر مالی و احتیاج والدین به کار آنها، مجبورند دست از تحصیل بردارند.

مشکلات ده یکی دوتا نیست. مشکلات فراوان است و انتظار مردم از دولت رسیدگی به وضع ناخوارشان است. مردم از انقلاب بحق خواستار آب، برق، زمین و بهبود شرایط زندگی خود هستند. این خواستها معرلی است و میتواند برآورده شود.



این ویرانه، «مدرسه» دهی است در نزدیکی مهاباد بنام «سیاهقل علیا».



... بناچار کودکان دهقان دره‌های «آزاد» درس می‌خوانند.

روستاهای ایگودرز در انتظار تحول

۲- یک قسمت از قلاتازه، را برای خاکبرداری کوبیدند و بدین ترتیب چندین چشمه‌آبی که در این بخش قرار داشت، کور شد و دهقانان این امکان طبیعی برای آبیاری را از دست دادند.

هنوز هم سدها هکتار از زمینهای مرغوب علی‌آباد در تملک یک بورژواز ملاک است. ضمناً این شخص در تهران صاحب هتل و سهامدار چند شرکت است.

بعد از پیروزی انقلاب، دهقانان تپیدست زمینهای این مالک بزرگ را بین خود تقسیم کردند. ولی ایزدی قنودال معروف و وزیر کشاورزی دولت بازرگان، این زمینها را مجدداً از دهقانان تپیدست پس گرفت و به مالک بزرگ ده مسترد کرد. دهقانان تپیدست بمسرتان از دولت انقلاب خواستار واگذاری زمینها هستند، زیرا علیرغم تصویب قانون واگذاری زمین، این املاک هنوز در دست مالک بزرگ ده باقیست.

در روستای علی‌آباد هنوز شوراهای تشکیل نشده است. دهقانان علی‌آباد معتقدند که اگر در این روستا تشکیل شده بود، بهتر می‌توانستند درام خانم‌سازی، با توجه به شناختی که از روستای خود دارند، مشارکت و دخالت کنند.

ضرورت تشکیل شوراهای در این روستا بسیار چشمگیر است، زیرا افراد بانفوذی در این روستا اعمال نظر میکنند و اغلب ناموراً به نفع خویشاوندان خود تمام میکنند و دهقانان دیگر بشدت در معرض تبعیض و حق‌کشمی قرار میگیرند.

تشکیل یک شورای روستایی مرکب از نمایندگان همه خانواده‌ها برای جلوگیری از تفرقه و تشتت و نیز رسیدگی به امور رفاهی روستائیان بسیار ضروری است. هم چنین واگذاری اراضی وسیعی که هنوز در انحصار یک مالک بزرگ است، امری است حیاتی برای بهبود امر تولید و زندگی دهقانان تپیدست، برای بالا بردن میزان محصول و ایجاد یک اقتصاد سالم.

تجربه یک شرکت سهامی زراعی سابق

کوچک ۲ الی ۴ نفری، گروه‌های آجرپزی کوچکی ایجاد کردند و کشاورزان به بضاعت را به کار در گروه‌ها گماردند. بدین ترتیب، با ایجاد شرکت‌های زراعی در این منطقه، گروه‌های کثیری از دهقانان میدل به کارگران ساختمانی و بخش‌مرکبی از آنان به نوعی کارخانه‌دارهای کوچک تبدیل گردیدند. قشر بندی در میان دهقانان توسط این شرکت‌ها شرفرود تسریع شد و به خانه‌خرابی عده کثیری منجر گردید. اکنون بدینال رکود کارهای ساختمانی، این گروه از کشاورزان سابق بیکار شده‌اند.

با پیروزی انقلاب، اهالی این روستاها به انحلال شرکت تحمیلی‌زراعی، که سیاست ضددهقانی داشت، رای دادند و زمین هر روستا به اهالی همان روستا داده شد و سپس بین صاحبان بنسبت سهم خود تقسیم گردید.

سودی که سالیانه شرکت زراعی به صاحبان سهام پرداخت میکرد، ناچیز بود، بطوریکه معمولاً بین ۲۰ الی ۳۰ کیلوگرم گندم به هر سهم پرداخت میشد. (اکثریت دهقانان بین ۳۰ الی ۴۸ سهم دارا بودند). البته بهترین راه برای حفظ منافع دهقانان و بالا بردن درآمد آنها و حفظ همکاری و همسنگی عبارتست از ایجاد تعاونیهای تولیدی، که با استفاده از سطح وسیع مشترک و وسایلی ماشینی محصول بیشتر و درآمد بیشتری بدست دهد.

وضع خاص روستای علی‌آباد

علی‌آباد یکی از ده روستای نامبرده است که از دو قسمت ساخته شده. قسمت قدیمی علی‌آباد که میان‌ده نام دارد و قسمت جدید که به آن نام قلاتازه داده

پنج روستای علی‌آباد، قاسم‌آباد، مکی-آباد، لیس و حشویه، که در ۱۵ کیلو-متری ایگودرز قرار دارند، در سالهای ۵۰-۵۱ زیر پوشش شرکت سهامی زراعی در آمدند، که شاه مخلوع منجمله بوسیله آن میخواست بساط استثمار سرمایه‌داری را در روستاها بگستراند.

زمینهای قابل کشت این روستاها، که بزور از زارعین گرفته میشد و به زمین‌دیل دهقانان موافق با ایجاد شرکت‌های زراعی بودند، اما زمینهای مالکان بزرگ زیر پوشش شرکت زراعی در نیامد و بهمان صورت در دست مالکان بزرگ باقی ماند، زیرا رژیم وابسته سابق در خدمت بزرگ‌مالکان و سرمایه‌داران بزرگ بود و منافع آنها را در نظر میگرفت.

شرکت زراعی به هر دهقان صاحب سهم مقدار ۴۰۰ متر زمین در نزدیکی جاده ازنا ایگودرز برای ساختمان یک شهرک به‌مراه ۳۰ هزار تومان نوام ساختمان پرداخت کرد. این وام ساختمانی بطور نوبتی به دهقانان پرداخت میگردد و تا قبل از پیروزی انقلاب فقط گروه کوچکی از دهقانان موفق به‌ماخذ وام گردیدند.

گروهی از دهقانان، که ضمناً میانسی پس‌انداز داشتند، موفق به ساختمان خانه‌در شهرک شدند و باقی دهقانان، که فاقد قدرت مالی بودند، در خانه‌های روستایی باقی ماندند.

سکانیزه کردن تولید، به تبدیل دهقانان به کارگران روزمزد منجر گردید. اکثر دهقانانی که به این طریق از مسائل تولید جدا شده بودند، به شهرها روی آوردند. گروه کشاورزان جوان جذب شهرهای بزرگ شدند. این دسته از کارگران جدید اغلب به علت نیازهای صنایع ساختمانی به جوشکاری اسکلت‌های ساختمانی پرداختند. دسته دوم دهقانان، که نسبتاً در شرایط مالی بهتری قرار داشتند، در گروه‌های

هشدار!

فصل برداشت محصول نزدیک است. ضد-انقلاب برای تضعیف انقلاب و ضربه‌زدن به جمهوری اسلامی ایران از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند.

خطر سوزاندن خرمن‌ها توسط عناصر خود-فروخته ضد انقلاب وجود دارد.

خطر فاسدشدن محصول به علت نداشتن وسیله درو و جمع‌آوری وجود دارد.

خطر به‌در رفتن محصول در نتیجه نخردن آن به قیمت عادلانه وجود دارد.

خطر تحریک و تفریق افکنی و دعوا راه‌انداختن، که محصول را بباد میدهد، وجود دارد.

● باید نیروهای انتظامی و نهادهای انقلابی را برای مراقبت از خرمن‌ها بسیج کرد.

● تاوقت باقی است، باید ماشین درو و لولوازم مورد نیاز برداشت را تهیه کرد و به‌قیمت نازل با مجانی در اختیار دهقانان قرار داد و انبارها را آماده و ضد عفونی کرد.

● باید قیمت عادلانه خرید محصول دهقانان را از جانب موسسات دولتی تضمین کرد.

موقیبت هر چه بیشتر در برداشت محصول، بسود خود دهقانان و بسود مصرف‌کنندگان شهری است، تحکیم‌کننده اقتصاد کشاورزی و موقیبتی است برای انقلاب ما.

دهقانان

از خرمن‌ها محافظت کنید، جلوی خرابکاران و افراد مشکوک را بگیرید، با پرهیز از نفاق، با هشیاری، متحدان از محصول، که دسترنج شماست، دفاع کنید. محصول مال شماست، کشور ما بان احتیاج حیاتی دارد. آنرا حفظ کنید.



بهر فاه اهالی مینا آباد توجه کنید

مینا آباد روستای دهستان ویلکج، از بخش نمین، حدود ۲۰۰۰ نفر جمعیت روستایی را در خود جای داده است. قریب به اتفاق اهالی، در یک پدیده ضد-انسانی، یعنی در فقر و عدم دست-رسی به وسائل تولید سیمند. نداشتن وسائل تولید و امکانات محدود تولیدی و تمرکز بخش‌های زمینهای قابل کشت در دست گروهی کوچک، زمینه عینی تفاوت-های طبقاتی را بوجود آورده است. از سوئی دیگر تمامی جمعیت

نام «مردم» به زبان آذربایجانی منتشر شد

شرکت تعاونی شست به آنها وام میدهد، که آنها با مقدار کم و سود زیاد و مدت پرداخت چند ماهه، که هیچ دردی را دوا نمی‌کند. روستائیان از دولت میخواهند که هر چه زودتر به وضع نابسامان این روستا، خصوصاً مسائل تولید کشاورزی آن توجه شود.

هیچگونه امکانات در اختیار روستائیان نیست، نه از تراکتور خبری است و نه از وسایل کشت و برداشت و نه سایر مایحتاج مربوط به کشاورزی از قبیل کود شیمیایی و مواد دفع آفات نباتی و غیره. اگر اینها را دولت در اختیار دهقانان بگذارد، به کشاورزی منطقه رونق خواهد بخشید. شرکت تعاونی در ده نیست.

گزارشی از روستای شانجان

روستای شانجان در ۵ کیلو-متری بخش شست واقع شده است. در این روستا از نشانه‌های «معدن بزرگ آریامهری» فراوان یافت میشود. برای مشاهده کافی است که از شست بمقصد شانجان سوار ماشین شویم. ابتدا با خرابی راه مواجه میشویم، راهی

باتصویب شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی گشوده شد. دهقانان با انتخاب شوراهای ده در همه جا و تشکل در اتحادیه‌ها، باین راه میروند

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

رویدادهای ایران

چرا توطئه گران افشا نمی شوند؟

اخیراً در یک قطار مسافربری، عده ای کوچه کارکنان را اشغال و کارکنان آنرا بیرون کردند. این افراد وقتی با اعتراض روبرو شدند، دست به جاکو بردند و در یک چشم بهم زدن ۶ نفر از ماموران را مجروح کردند. بعد با کمال خون سردی مشغول خواندن نشریات احزاب و سازمان های مترقی از جمله نامه مردم و مجاهد شدند. حوادثی از اینگونه نشان می دهد که، ضد انقلاب پسرای با اعتبار کردن نیروهای انقلابی به هر بهای گوناگونی متوسل می شود. امروز با تظاهر به هواداری از آنان و روزی دیگر با تظاهر به اسلام و... در هر حال می گویند تفرقه و جدایی را تحکیم بخشند و اتحاد علیه امریکه شیطان بزرگ را هر چه پیشتر به تأخیر اندازد. حزب ما بارها توطئه های ریز و درشت ضد انقلاب را افشا و ماهیت مرتکبین آنرا بر ملا کرده است. سیاست ما مثل همیشه آشکار و از هر جهت خالی از ابهام است. اما وظیفه مقامات مسئول اجرایی، همچنان انجام نشده، به قوت خود باقی است. یبکیری، کشف و خنثی کردن توطئه ها، تعقیب، دستگیری، افشا و مجازات متوطئه گران.



نمایشگاه بریده ارگان های احزاب مختلف در ارتباط با تصرف لانه جاسوسی آمریکا

امریکا باید شاه مخلوع را به دولت ایران مسترد دارد

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
حزب توده ایران اشغال سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران را تأیید و مذاکرات هیات نمایندگی دولت موقت با برژنکی، یکی از توطئه گران اصلی بر ضد انقلاب ایران را محکوم می کند

سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران، اشغال شد

دانشجویان مسلمان پیرو امام خمینی: رابطه با امریکارا میخوانیم چه کنیم؟
از طرف دفتر دانشجویان مسلمان دانشکده علوم دانشگاه ملی، نمایشگاهی از بریده های ارگان های احزاب مختلف، در ارتباط با تصرف لانه جاسوسی سیاسی واحزاب نسبت به آن برپا شده است. در این نمایشگاه اخبار، بیانیها و اظهار نظرات احزاب و سازمان های سیاسی و مذهبی به طرز جالبی در معرض دید عسوم گذاشته شده است. در شروع این نمایشگاه، بریده های روزنامه انقلاب اسلامی با کارهای تحت عنوان «اشغال سفارت امریکا آغاز میشود» قرار دارد و در آخرین قسمت آن، تصمیمات شورای انقلاب در باره جاسوس های امریکایی نصب شده است. قسمت قابل توجهی از این نمایشگاه به مطالب نامه مردم در ارتباط با تصرف لانه جاسوسی امریکا اختصاص دارد. در این نمایشگاه همچنین از بریده های روزنامه های امت، مجاهد، جمهوری اسلامی و کار هم استفاده شده است.

تبعیض ها را از میان بردارید

انجمن اسلامی کارکنان پالایشگاه تهران طی نامه سرگشاده ای به وزیر نفت، ضمن تأکید بر حمایت از رهبری امام، نظام جمهوری اسلامی و پشتیبانی قاطع از هر حرکت انقلابی در جهت برقراری قسط اسلامی و دفع تبعیض در صنعت نفت خواستار رسیدگی فوری به موارد زیرین است:
۱- دفع کلیه تبعیض ها، که منجر به نا برابری اجتماعی و تفاخر و مفاخرت گری می بین کارکنان میشود (مرضی سالیانه نامومن - کمک هزینه مسکن هزینه سفر،

در جهان سوسیالیسم

پزشکی رایگان در کشورهای سوسیالیستی

کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی از بنیادگذاری «شورا» تاکنون همواره در راه بهبود بهداشتی و تکامل پایه مادی آن کوشا بوده اند. بهداشتی و پیشرفت در این کشورها یکی از درخشان ترین دستاوردهای اجتماعی همه کشورهای سوسیالیستی است. عضو شورای همکاری اقتصادی، انجام وظیفه میکنند. جنبه لژی شماره پزشکان در کشورهای عضو «شورا» را به نسبت هر ۱۰ هزار شهروند، در سالهای ۱۳۲۹ و ۱۳۵۷ نشان میدهد:

کشور	۱۳۲۹	۱۳۵۷
بلغارستان	۹/۲	۲۸/۳
جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی	۱۰/۱	۳۰/۲
جمهوری دیمکراتیک آلمان	۱۱/۳	۲۴/۶
کوبا	-	۱۸/۳
مقدونستان	۱/۸	۲۱
لهستان	۴/۶	۲۳/۳
رومانی	۹/۵	۱۶/۸
اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی	۱۴/۶	۳۵/۲
مجارستان	۱۰/۳	۲۶/۶

(- آمار موجود نیست)

در جهان سرمایه داری

سود کنسرفهای نفتی روزافزون است



درآمد کنسرن های نفتی - مقایسه ربع سوم سال ۲۸ باربع سوم سال ۲۹
سود کنسرن های نفتی تکزاکو، استاندارد اوپیل و اوهاییو، کونوکو، موبیل، اکسون وگلف در چهاره سوم ۱۹۷۹، در مقایسه با چهاره سوم ۱۹۷۸، برتیب ۱۹۱، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۱، ۱۱۸ و ۱۰۰ درصد افزایش یافت و بدین ترتیب رکورد جدیدی بجا گذاشت.

نمایشگاه عکس یادبود شهید خسرو روزبه در مشهد

به مناسبت بزرگداشت بیست و پنجمین سالگرد شهادت رفیق خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران، نمایشگاه عکس از طرف هواداران حزب توده ایران از روزیکشنبه ۲۱ اردیبهشت به مدت ۳ روز، در خیابان دانشگاه مشهد برگزار شد. در این نمایشگاه، که شامل عکسها، شرح حال و سخنانی از خسرو روزبه بود، عکسهای سایر شهیدای سازمان افسری حزب توده ایران نیز جای ویژه ای را به خود اختصاص داده بودند. در تمام دوران برگزاری این نمایشگاه، مردم مشهد با استقبال گرم خود و با نشان دادن احترام عمیق و صمیمیت خود نسبت به این شهیدای افتخار آفرین، خاطرهای تابناک و پیرشکوه این قهرمانان را گرامی داشتند. عکسهای این نمایشگاه که نشان دهنده مسحنه اعداء رفقای سازمان نظامی بود، بخصوص مورد توجه مردم قرار گرفت. کلزگری پس از دیدن این یادبودها گفت:

«من آن سالهارا یادام می آید که چگونه دژخیمان به کارخانه نخریسی حمله کردند و کارگران چه جانانه در مقابل آن ها به مقاومت می برداختند. و یک روحانی این چنین اظهار نظر کرد: «روزبه یک انقلابی بود».

پس از پایان این نمایشگاه، نمایشگاه دیگری از عکس و نقاشی بنام «کاروانش» در همان محل برگزار شد.

صدای و سیمای جمهوری اسلامی ایران ...

قطع حمله به امریکا بدستور کرملین! چنین بود: تیرت اصلی: هیچگاه و در هیچ شرایطی دشمن اصلی - امریالیسم آمریکا را فراموش نکنیم. تیر دوم: تجاوز مجدد نظامی آمریکا بکشور ایران، تیر سوم: چرا مسئله تجاوز نظامی آمریکا علیه ایران در برنامه کار اجلاس قریب الوقوع کنفرانس اسلامی گنجانده نشده است؟ تیر چهارم: از آمریکایی خونخواره، کشیم انتقام.

با کمال تأسف موارد دشنام، اتهام، تحریک و دروغ علیه حزب توده ایران، در برنامه های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آنقدر نیست، و برررسی و طرح و پاسخگویی به هگی آنها نیز نه درجوسله این مقاله می گنجد و نه اصولاً این مقاله، چنین هدفی را نصبالین خود قرار داده است. هدف ما نسبتاً آشکار ساختن آن شی و روشی است که در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و دنبال میشود: روشی اتحاد شکنانه، انحصارطلبانه و تحریک آمیز، که نیروهای خلق را بجای مقابله متحد با دشمن، در مقابل یکدیگر قرار میدهد و بجای برخورد آزاد عقاید و تعیین نقاط اشتراک و افتراق، یکجانبه و خصمانه به روش مذموم و مطرود عدم تحمل عقاید مخالف روی می آورد، روشی که درخور انقلاب نیست و بسا اهداف آن مغایرت دارد.

با ذکر نمونه های دیگر، این بررسی را پایان میدهم:

در برنامه مورخ ۱۱ اردیبهشت صدای جمهوری اسلامی ایران، که به روز کارگر و قاریخچه آن اختصاص داشت، مجری برنامه اظهار کرد:

حزب توده ایران از همان بدو کار به جنبش کارگری خیانت کرده است! آیا تکرار دشنامها، اتهامات و دروغ - پراکنش های دستگاههای تبلیغاتی رژیم

بقیه از صفحه ۴

جمهوری اسلامی ایران، به شیوه ای ناسزا و ناجوانمردانه، حزب توده ایران مورد حمله، دشنام، افترا و بهتان قرار تکبیر و همان روش دیرآشنای رادیو و تلویزیون رژیم پهلوی، حتی با همان کلمات و عبارات و توصیفات در مورد حزب توده ایران تکرار نشود.

افتراها و دشناماتی که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران علیه حزب توده ایران پخش میشود، همواره بدون پاسخ مانده است، زیرا حزب توده ایران، علیرغم آنکه یک حزب قانونی است. و فعالیت علنی و قانونی سیاسی، تشکیلاتی و مطبوعاتی دارد، علیرغم حق خود در بهره گیری از حقوق مصرحه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هیچگاه این امکان را نیافته است که بتواند از امکانات و لوژیژی و امکانات برای پاسخگویی به این افتراها و دشنامها، از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، برخوردار باشد.

برای آنکه عمق زشتی این روش بشدت ناچوانمردانه و مغرضانه را آشکار کنیم، به تفسیر ساعت ۷:۴۵ روز ۲۳ اردیبهشت ماه صدای جمهوری اسلامی ایران مراجعه میکنیم در این برنامه، مفسر ضمن تکرار افسانه سازش دو ابرقدرت، که خود یکی از پایه های تبلیغاتی امریالیسم و مائوئیسم برای گمراه کردن خلقهای بیخاسته و مبارز، در یک ردیف قرار دادن اتحاد شوروی و امریالیسم آمریکا و بالنتیجه منفرد کردن خلقها، جدا کردن آنها از جنبه جهانی ضد امریالیستی و دردم کوبیدن آنهاست، با آنکه به مذاکرات گرومیکو و ادوموند ماسکی وزرای خارجه اتحاد شوروی و امریکا میکوبد:

«امریالیسم آمریکا و سوسیالیسم امریالیسم شوروی برای رفیقان و افتخاراتشان مذاکره خواهند کرد... احزاب وابسته

به کرملین نیز به موجب دستور آن، حملات خوربا به امریکا قطع گردانند و حتی در روزنامه های خودشان که «مردم» هم نام دارد، دیگر صحبت از امریالیسم آمریکا نیست، بلکه فقط راجع به زندگی کارگران و دهقانان سخن میگویند»

متأسفانه «مفسر» صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران آگاهانه خلاف حقیقت میکوبد، او نامه «مردم» را دیده است و میداند که، نامه «مردم» هر روز صفحات ویژه ای را به بررسی مشکلات زحمتکشان، کارگران و دهقانان اختصاص میدهد، و بنابر این او همچنین میداند که نامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، تنها نشریه ای است که هر روز صفحه نخست و سرمقاله های خود را علیه دشمن اصلی مردم کشور ما امریالیسم آمریکا اختصاص میدهد، توطئه های جدید آنرا افشا میکند، مردم را به اتحاد علیه این امریالیسم درنده و بدفلاح از دستاوردهای انقلاب دعوت میکند، پیگیر تر از هر نشریه و حزب سیاسی دیگر، منادی و مدافع اتحاد و دشمن تفرقه است، او میداند که حزب توده ایران به تصریح کلیه نیروهای سیاسی، پیگیر ترین دشمن امریالیسم آمریکا طی ۲۸ سال اخیر بوده است. او همه اینها را میدانند (رژیم) و نمیتوان مفسر ارگان رسمی تبلیغاتی جمهوری اسلامی ایران باید بداند، اما وی ترجیح میدهد که در قبال این مسئله نه تنها سکوت کند، بلکه واقیت را وارونه جلوه دهد. چرا؟

تیرهای نامه «مردم» در روز ۲۳ اردیبهشت، در صفحه اول چنین بود: تیر اصلی: خطر امریکا، جدی است، فوری است، باقیقت، تیر دوم: هدف امریکا درهم شکستن انقلاب ایران است، نه آزادی «گروگانها».

تیرهای نامه «مردم»، در روز پس از

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امریالیستی باید لغو شود

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیگایی) ضرورت انقلاب ایران است

نامه سرگشاده به: ریاست جمهوری اسلامی ایران جناب آقای دکتر بنی صدر

مسائل کارگری

تامین اجتماعی باید کلیه زحمتکشان را دربرگیرد

صدای جمهوری اسلامی ایران در برنامه کارگری (۲۵ اردیبهشت) با صدای سندیگای اتوبوسرانی گفتگوی کوتاهی داشت.

در این مصاحبه دبیر سندیگا و چند تن از رانندگان زحمتکش، ضمن اشاره به مسائل و مشکلات رانندگان اتوبوس، از جمله برپه نمودن آنان انگشت گذاشتند.

مساله بیمه، تامین و تضمین رفاه، سلامت و سعادت زحمتکشان با وجود پیاده شدن شواهد امیدبخش، هنوز مورد توجه جدی قرار نگرفته است.

قدردان این است که بزرگترین ثروت و سرچشمه اصلی آفرینندگی و بار آوری، دستهای توانایی است که رفع نیازها و پیشبرد امر تولید، توزیع و خدمات را برعهده دارند. این دستهای صنعتگر و خلاق، این بازان در کار، و این نیرویی که در هر سو چرخ عظیم اجتماع را به حرکت می آورد، شایسته حفاظت و نگهداری است.

از طرفی، اساسا اکثریت خردکننده شهروندان میهن ما را زحمتکشانی تشکیل می دهند که از شرایط و امکانات لازم جهت تامین زندگی خویش برخوردار نیستند، در حالی که بیشترین سهم از کار و رفح و ناکامی ها به آنان تعلق دارد.

سازمانهای صنفی و سیاسی زحمتکشان، نهادهای گوناگون اجتماعی و در راس همه، طبقه کارگر و سندیگای کارگری، سرانجام با طرح و تثبیت مساله تامین اجتماعی، ضرورت تاسیس موسسات بیمه را ایجاد چنین ارگانهایی دنیا کردند و به موفقیتهایی نائل آمدند.

متأسفانه در گذشته، به ملت سلطه جبار و همه جانبه غارتگران بر شئون حیاتی کشور ما، مساله تامین اجتماعی نیز در حد خود، نمایشی در دنگ از بیایمال شدن حقوق اولیه زحمتکشان ایران بود.

پس از پیروزی انقلاب، زحمتکشان با امید و انتظار به تغییر قانون تامین اجتماعی چشم دوختند. آنها در گذشته، شرایط دشواری را تجربه کرده بودند، در معرض ابتلا به انواع ناخوشی ها بودند و بیمه و درمان محضی واقعی نداشتند، بیکاری ناپسند دردناکی بود (و هست). از کار افتادگی و نقس عضو ناشی از سوانح، سایه شومی است که همچنان خانواده ها را در تاسم سیاه خود به استیصال می کشاند. تامین آتیه ساداتبار فرزندان علامت سوال بزرگی است که هر سالگام در کاروان خانواده مثل حرف ناتمامی بر لب زحمتکشان، به افق میهم آیدند و پیوند می خورد.

با زشتی، فوت و حذف نان آور خانواده ها، همواره این سلولهای زنده جامعه را به ناپودی و تلاشی تهدید کرده است. افتخار و طبقات رنج دیده در این انبوه نگرانی ها، بیمنگام به آینه چشم دوخته اند و با نهایت تأسف درمی یابند که نارساییهای گذشته همچنان بر آینه راه کرده اند و مساله تامین آتیه آنان، آفتدها مورد توجه نبوده است.

هنوز هم کارگران، همه افرادی که بهر عنوان در مقابل دریافت مزد کار می کنند، روستائیان و دیگر اقشاری که در عرصه تولید، توزیع و خدمات مشغول کارند، مشمول مقررات قانون تامین اجتماعی نیستند هنوز کارگرانی که در کارگاههای کوچک (دارای کمتر از ده کارگر) به شدتترین و گنجی استعماری شوند و فریادهاشان انگار مشکلی نمانده است. آنها که اکثریت قاطع کارگران و زحمتکشان ما را تشکیل می دهند از مزایای مقرر در قانون بیمه بهره ور نیستند.

این کارگران در شرایط دشواری کار می کنند. محیط کار امن نیست. دستگاهها فرسوده و غیر قابل اعتمادند. آلودگی محیط کار به وحشتناکی تهدید کننده است. سوء تغذیه در میان کارگران ایجاد می کند. ساعات کار در این واحدها با هیچ ضابطه مدونسی مشروط نمی شود. حداقل دستمزد قانونی - که در سطح کشور رسمی است - برای آنان دست نیافتنی است. داشتن سرپناه، امید به آینه فارغ از دغدغه نان و مسکن چندان دور نمای اطمینان بخشی ندارد.

انقلاب ایران با مشارکت فعال همه مردم میهن ما باسط خود کلمکی رژیم وابسته به امپریالیسم رادرم نوردید و مساله نوسازی اجتماع طاقتور زده ما را در دستور روز قرار داد. بر پای یک جامعه نوین - جامعه ای که شبانگاه، سرهای خفته بر بالین از بیم و دغدغه فریاد نامطمئن، خواب در چشم هاشان نشکند - از تامین رفاه مردم ایران، بویژه زحمتکشان ستمدیده و محروم جدا نیست. تا این رقاد زحمتکشان نیز باید در قوانین موضوعه تثبیت شود. ضمانت اجرا باید تا ادوی مظهر کار با تکیه به این دستاورد، با اشتیاقی مضاعف به پاسداری از ده آوردهای عظیم انقلاب شد امپریالیستی و خلقی خود، بر خیزد.

بیکاری خردکننده و گران سرسام آور هزینه زندگی در سطح کشور و خرابی کاراییهای دیگر را نتیجه وجود بقایای هزار فامیل خبیث در کشور میداند و اعلام میداریم که آزاد بودن بقایای اکثریت هزار فامیل در رفت و آمد به خارج از کشور، که به بهانه های گوناگون صورت میگیرد، در کار سازماندهسی ضعیف انقلاب در ایجاد آشوب و بلوا و جنگ پسران کشتی و انفجارات نقش تعیین کننده ای دارند. لذا خواستار جلب تمامی بقایای هزار فامیل به دادگاههای انقلاب اسلامی هستیم.

جناب آقای رئیس جمهوری، سندیگای ما کارکنان شرکتهای ساختمانی در حد اعلامی توانان آمادگی خود را برای انجام هر امری که در سرعت بخشیدن به کار پیاده کردن لایحه قانونی مورخ ۱۳۵۸/۱۲/۱۸ شورای محترم انقلاب اسلامی موثر باشد اعلام میداریم. با تقدیم احترامات و تشکر از بذل توجه آن جناب

سندیگای کارکنان شرکتهای ساختمانی تهران و حومه

از زیر ضربه دادگاههای انقلاب رها سازند و تا آنجا که میتوانند از مصادره داراییهای غیر مشروع و غیر مشروط خود جلوگیری نمایند.

جناب آقای رئیس جمهوری، احتیاج به توضیح نیست که این تشکیل دهندگان هرم غارت و فساد در رژیم سرنگون شده شامسابق، حداقل طرف ربع قرن گذشته صدها میلیارد تومان از بودجه طرحهای عمرانی ملت مسلمان و محروم ایران را با زدودن در سیستم خود پرورده سابق، که متأسفانه کاملاً در گون تشده است، بالا کشیدند و اگر ریاست جمهوری ما بر میند که اقتصاددانان و حسابرسان مومن انقلابی مروری بر ثروت غیر مشروع داخلی و خارجی هزار فامیل معروف بنمایند، امر خواهند فرمود که اجرای لایحه قانونی، حتی بدون یک هفته تأخیر، به کمک دستداران انقلاب و مقامات مسئول دولت به مرحله عمل در آید.

جناب آقای رئیس جمهوری، سندیگای ما کارکنان شرکتهای ساختمانی، ضمن این که به مسیبه های امپریالیسم آمریکا جهت ضربه زدن به انقلاب اسلامی توجه داریم، بیشتر مشکلات و خرابیها و ادامه

مصوبه شورای محترم انقلاب اسلامی ایران، که تحت ریاست آن جناب تصویب شده است، تذکر چند نکته را برای حفظ هر چه بیشتر بیت المال خلق غارت شده و محروم مطرح و انتظار بذل توجه دارد:

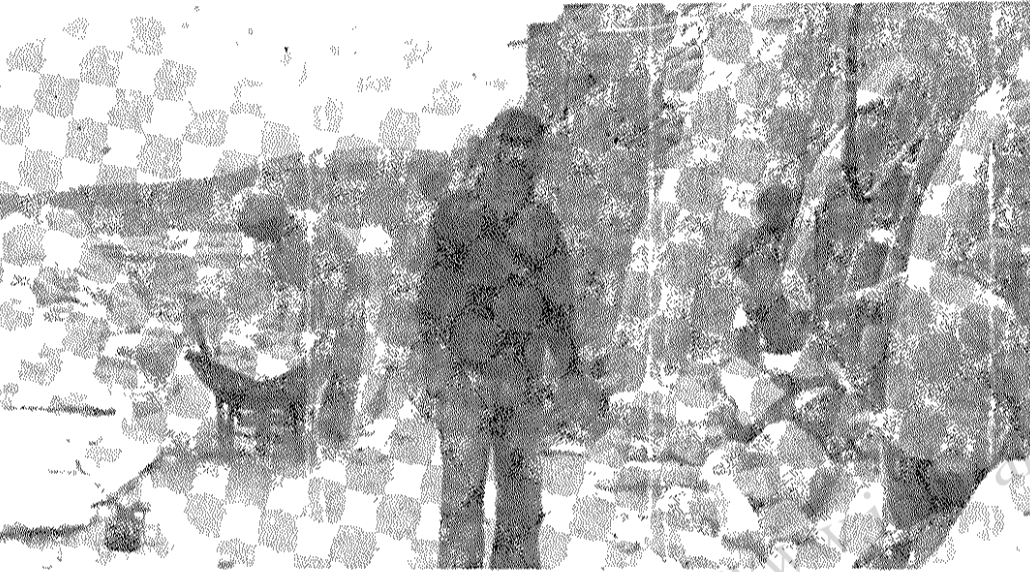
۱- بعضی از مدیران عامل و سهام داران اصلی شرکتهای تجارتی بطور اعم و مطلقه کاران بطور اخص، که قبل از پیروزی انقلاب تاکنون ضمن فروش ماشین آلات و بر داشت از حسابهای بانکی بیش و کم به خارج نمودن ارز از راههای مختلف و غیر قانونی مشغول هستند و صدمات زیادی در این مرحله حساس از انقلاب به اقتصاد کشور وارد می آورند و در ضمن با نامهربانگیهای بیش از حد از رانندگانی مجدد کارگاهها جلو می گیرند.

۲- با شواهدی که در دست است به محض اطلاع از متن لایحه قانونی مصوبه پیش گفته شده، به فروش دارائیهای منقول و غیر منقول اقسری خویش دست زده و به تغییراتی در کادرمدریت موسسات و شرکتهای مطلقه کاری پرداخته اند، تا از یک طرف خودشان را

از سندیگای کارکنان شرکتهای ساختمانی تهران و حومه موضوع: استعفاي تسريع در اجرای لایحه قانونی مصوبه شورای محترم انقلاب اسلامی ایران مورخ ۱۳۵۸/۱۲/۱۸ با عرض احترام، سندیگای کارکنان شرکتهای ساختمانی در نامه سرگشاده مورخ ۱۳۵۸/۳/۱۷، که به حضور رهبر گرانقدر انقلاب و چند تن از مقامات مسئول دولت وقت نوشت، نسبت به ادامه غارت پیمانکاران بزرگ طرحهای عمرانی کشور موارد مختلفی را متذکر گردید. از آن تاریخ بيمد هم به اندازه توان خود و سایر سندیگاهای هم منصف نامه های سرگشاده دیگری را تنظیم و تقدیم دفتر امام و سایر مقامات ملکنی داشتیم، که بعضا در مطبوعات یونیه و هفتگی تهران منتشر شد و سندیگای نکاتی از کار - به جری ن انداختن دوباره کارهای عمرانی بر شمرده و راهحلی چند نیز پیشنهاد نمود.

اکنون که نزدیک به يك سال از تقدیم اولین نامه سرگشاده این سندیگای گذشته است، با توجه به لایحه قانونی

مبارزه کارگران کارخانه های گچ سازی کازرون ادامه دارد



کارگران کارگاه گچ پزی کازرون: «کارفرمایان حق بیمه ما را نمیدهند»

از سوی دیگر کارفرمایان، که خود را موظف به پرداخت حق بیمه کارگران در سالهای گذشته و حال دیدند، به انواع حيله ها و کارشکنی ها متوسل شدند. آنها سعی کردند که با جلب رضایت مسئولین بیمه، از زیر بار پرداخت حق بیمه کارگران شانه خالی کنند. کارفرمایان در این مدت فقط تعداد کمی از کارگران معدن را بیمه کردند، و از بیمه کردن بقیه خودداری ورزیدند. آنها همچنین قیمت گچ را، به جبران پرداخت حق بیمه، از ۲۵۰ ریال به ۱۱۰۰۰ الی ۱۰۰۰ ریال افزایش دادند، که این اقدام آنان باعث اعتراض خرداران روبرو شده است.

کارگران در این مدت برای رسیدن به خواست قانونی خود شکایاتی به مقامات مسئول تقدیم داشته اند آنها از مقامات مسئول خواسته اند، حال که کارفرمایان به عهد خود وفا نکرده اند و از پرداخت حق بیمه خودداری میکنند، اداره امور کارخانه ها به خود کارگران واگذار شود!

سالمات که کارگران کارخانه های گچ سازی کازرون حق بیمه خود را از کارفرمایان می خواهند، در رژیم سابق، کارفرمایان با دادن رشوه به رئیس سابق بیمه کازرون، کلیه حقوق کارگران، منجمله حق بیمه آنها را بیامال می کردند.

در اواخر سال گذشته، کارگران خواستار دریافت مالیاتی بعنوان مساعده و همچنین حق بیمه خود شدند، ولی کارفرمایان نیز بار این خواست قانونی نرفتند. در اواسط فروردین ماه گذشته، کارفرمایان علاوه بر امتناع از پرداخت حق بیمه کارگران، تمام وسائل کارگران را نیز منفی کردند، تا جلوی کار آنها را بگیرند. اما کارگران وسائل کار خود را پیدا کردند و به کار ادامه دادند. سرانجام کارفرمایان با پرداخت حق بیمه کارگران موافقت کردند. مقامات مسئول به کارفرمایان هشدار دادند که در صورت تخلف از این امر، اداره امور کارخانه ها به بیمه کارگران گذارده خواهد شد.

به خواسته های قانونی کارگران خیاط توجه کنید!

کارگران خیاط سری دوز تریکو و پارچه، که اقلیت کارگران فصلی هستند، به دو گروه تقسیم میشوند. عده ای از آنها ضمیمه دوز هستند، که در فصل زمستان کار میکنند. تعدادی دیگر نیز دوز هستند، که در تابستان کار میکنند. چون کار این کارگران فصلی است، در کمترین مدت بیشترین کار را عرضه میدارند. به همین جهت مجبورند روزانه بیش از ۱۲ ساعت کار کنند.

در این کارگاهها از کودکان و کارگران کمتر از ۱۸ سال برای یادویی استفاده میشود. طبیعی است که دستمزد این نوجوانان در سطح بسیار ناچیزی قرار دارد. مسئله بیمه های اجتماعی برای ۹۵ درصد این کارگران رؤیایی پیش نیست. چون فقط ۵ درصد آنها زیر پوشش بیمه های اجتماعی قرار دارند.

در اقلیت کارگاههای بزرگ خیاطی، کارگران را هر چند تمام یکبار در خارج میکنند، تا سابقه کار پیدا نکنند.

- خواسته های کارگران خیاط عبارتند از:
- ۱- ۸ ساعت کار در روز،
 - ۲- تبدیل کارگران از کارمندی به رسمی،
 - ۳- تامین وسائل بهداشتی در محیط کار،
 - ۴- استفاده از حق بیمه،
- از مسئولین امور میخواستیم که خواسته های قانونی کارگران را هر چه زودتر مورد توجه قرار دهند.

حقوق کارگران شرکت ساختمانی زرنگار پرداخت کنید

حدود ۱۶۰ نفر از کارگران شرکت ساختمانی زرنگار، مدت هفت ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند. این شرکت ایالتی ای در حال ساختن خانه برای کارکنان و اساتید دانشگاه اهواز است. چندی پیش ۲۰۰ نفر از کارگران شرکت اخراج شدند. کارگران باقی مانده در این مدت هفت ماه، با مشقت فراوان روز را به شب رساندند و با قرض گرفتن از همسایگان و آشنایان خود، روزگار گذرانده اند، آنها با وجود راجعات مکرر به استناد اداری و دادگاه انقلاب، تاکنون پاسخ امیدوار کننده ای دریافت نکرده اند.

چرا وزارت کار به خواسته های رانندگان اتوشاپور توجه نمیکند؟

مشکلات رانندگان شرکت اتوشاپور هم در دوره طاغوت و همدر زمان حاضر بصورت مسئله ای لاینحل باقی مانده است. حدود ۷ ماه است که سندیگای اتوشاپور تشکیل شده است. اعضاء هیئت مدیره سندیگا از همان آغاز کار، بخاطر بهبود وضع رانندگان، دست به تلاش یکپارچه ای زدند. ولی متأسفانه هنوز موفق نشده اند گرهی از مشکلات کارگران بکشایند.

برای مثال، پس از مطالعه، هیئت مدیره موهبی مد طرحی جهت طبقه بندی مشاغل کارکنان شرکت به وزارت کار ارائه دهد. مسئول مربوطه در وزارت کار روی این طرح خط بطلان کشید و گفت: «فلاطون حق نباید پیاده شود». سپس هیئت مدیره مسئله را با معاون وزارت کار در میان گذاشت، ولی او هم نتوانست این مشکل را حل کند و بازم این مسئله منلق ما ماند.

هیئت مدیره برای حل مسئله بیمه ملاقاتی هم با مسئولین وزارت بهداشتی داشت، جریان از این قرار است که دریافتی رانندگان بطور کامل در لیست بیمه قید نمی شود. آنها بارها و بارها با مسئولین و حتی معاونت وزارت بهداشتی جلسه داشته اند، ولی پس از گذشت ۷ ماه هنوز پاسخ قانع کننده ای دریافت نکرده اند. مسئولین با آنها گفته اند: ما نمی توانیم تمام دریافتی شما را از کارفرما طلب کنیم. بعنوان نمونه يك دانسته، که پنج هزار تومان حقوق می گیرد، فقط حداقل حقوق تصویبی دولت، یعنی ۵۶۷ ریال روزانه در لیست بیمه اش نوشته میشود، تا به این ترتیب سهم کارفرما خیلی کم شود.

از طرف دیگر رانندگان، نمایندگان خود را متهم به کم کاری میکنند، ولی نمایندگان کارگران میگویند که «مسئولان وزارت کار اصولاً توجهی به ما نمی کنند»

از تعطیل کارخانه ایران نیپون جلوگیری کنید!

کارخانه ایران نیپون در بندر خمینی قرار دارد. این کارخانه وابسته به مجتمع پتروشیمی است و مواد اولیه خود را قبلاً از کشورهای آمریکا و ژاپن وارد میکرد. قرار است کارخانه ایران و ژاپن، زمانیکه آماده بهره برداری شد، مواد اولیه کارخانه ایران نیپون را تامین کنند.

پس از پیروزی انقلاب، کشورهای آمریکا و ژاپن از صدور مواد اولیه به کشور ما جلوگیری بعمل آوردند. بنسب اینگونه مواد اولیه از کشور و ژاپن وارد شد. چون این مواد با سیستم کارخانه ایران نیپون جور در نیامد، بناچار ورود آن متوقف شد و تمام مواد اولیه وارداتی به دریا ریخته شد. سپس این مواد را از کشور تونس وارد کردند. تونس تا این اواخر مواد اولیه به ایران صادر میکرد، ولی بنسب جلوی صدور مواد اولیه به ایران گرفته شد. اکنون کارخانه ایران نیپون با کمبود مواد اولیه روبرو شده و ذخیره کارخانه هم بزودی روبه اتمام است. اگر همین ترتیب پیش برود، بزودی این کارخانه از کار خواهد افتاد.

در این شرایط بحرانی، که مواد اولیه برای کشور ما جنبه حیاتی دارد، باید باین امر رسیدگی جدی و فوری شود. چون با از کار افتادن این کارخانه، کارخانه های دیگری که از این کارخانه تغذیه میکنند (مانند کفش بلا، ملابین سازی، ظروف پلاستیک) هم با خطر تعطیل روبرو خواهند شد.

در هر صورت، تعطیل کارخانه ضربه ای است به اقتصاد کشور ما و از همه مهمتر زبانی است که در درجه اول متوجه طبقه کارگر ایران خواهد شد.

تامین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

تصمیم درست شورای انقلاب دایره به لغو قراردادهای تهاطری و گذار به مبادله عادی بازرگانی خارجی میان ایران و کشورهای سوسیالیستی

تصمیم شورای انقلاب دایره به لغو قراردادهای تهاطری و گذار به مبادله عادی بازرگانی خارجی میان ایران و کشورهای سوسیالیستی، یکی از گام‌های مثبتی است که می‌تواند در صورت گسترش مناسبات فنی و اقتصادی با این کشورها، نقش ارزنده‌ای در تأمین استقلال اقتصادی ایفا کند.

وابستگی همکاریهای فنی و اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی به قراردادهای تهاطری، یکی از اشکلهای نواستعمار بود، که هدف جنر تعیین این همکاریها نشد.

مراتع اصل تهاطری در بازرگانی خارجی ایجاد میکنند که مناسبات اقتصادی فنی در پیارچوب مین میادله کالایی با کالای دیگر محدود می‌ماند. به بیان دیگر، این اصل، دولت امضا کننده قرارداد تهاطری را ملزم می‌سازد که هر ارز کالایی که صادر میکند از طرف مقابل قرارداد کالا وارد کند.

کشور رشدیابندهای که تحت فشار امریالیسم تن به امضا قراردادهای تهاطری با دول سوسیالیستی میدهد، در واقع خود به مدت خوشترابط نفوذ امریالیسم را در اقتصاد ملی فراهم می‌آورد و دانسته و فهمیده در جهت تمیق وابستگی و املا واپس ماندگی گام بر میدارد.

کشور ما نمونه چالشی در این زمینه است. سالیان دراز یگانه منبع درآمد ارزی ایران - نفت - در انحصار کمپانیهای غول آسای جهان امریالیستی قرار داشت، که به دلخواه خود حجم تولید، سطح قیمت و بازار فروش آنرا تعیین میکردند. نتفخواران امریالیسم با جلوگیری از ایجاد صنایع تصفیه نفت و گاز، صنایع پتروشیمی در ایران، بخش عمده نفت را به شکل خام از کشور خارج و بر پایه آن صنایع مدون شیمیایی را در کشورهای خودی احداث و علاوه بر تأمین اشتغال و رونق اقتصادی، کالاهای ساخته شده از همین نفت خام را به چند برابر قیمت آن به ایران وارد میکردند.

استراتژی نواستعمار در کشور ما بر پایه سه محور زیرین استوار بود: - جلوگیری از استقلال عمل در زمینه تعیین حجم تولید و قیمت و محل فروش آن، - سلب امکان ایجاد صنایع بنیادی از عمل رضاسوخته‌سوالی.

سالگرد شهادت رفیق ابراهیم مفتاح در کرد کوی برگزار شد



به مناسبت دومین سالگرد شهادت رفیق ابراهیم مفتاح روز ۲۹ اردیبهشت، مراسمی در زادگاهش کرد کوی برگزار گردید.

در این مراسم که با شرکت عده زیادی از اهالی کرد کوی، خویشان و رفقای شهید ابراهیم مفتاح برگزار شد، ابتدا به احترام خاطره این رفیق و تمامی شهیدان راه استقلال و آزادی ایران یک دقیقه سکوت اعلام شد. آنگاه خواهر رفیق مفتاح ضمن سخنانی زنده گیتامه و شرح مبارزات شهید ابراهیم مفتاح را بیان کرد.

رفیق ابراهیم در سال ۱۳۳۳ در کرد کوی بدنیا آمد. وی از نوجوانی با رنج و فقر آشنا شد. زندگی دشوار و شکنجه آور توده‌های زحمتکش را لمس کرد و مبارزه برای پایان دادن به این رنج و فقر و بندگی را آموخت. بدینسان وی از همان پند و روید به دینستان یکمبارز سیاسی محسوب می‌شد.

پس از مرگ پدر مسئولیت اداره زندگی خانواده اش بر دوش وی قرار گرفت، با وجود تمام مشکلات توانست به دانشگاه ریاضی مشرف راه یابد و به تحصیل مشغول شود. لیکن به علت فقر و احتیاجات به مبارزه، به علت عدم سکونت در مقابل خفقان و ظلم از دانشگاه اخراج شد و با دردی که به میان کشاورزان زحمتکش کرد کوی بازگشت. مدتی بعد کوشش خود را برای ادامه تحصیل پابست نام در دانشگاه آمار و انفرماتیک ادامه داد. لیکن مزدوران ساواک،

مأمورین خفقان و شکنجه در آنجا هم وی را محکوم به اخراج از دانشکده کردند. تلاش مجدد وی برای تحصیل در دانشگاه علم و صنعت نیز چنین فرجامی در پی داشت. رفیق مفتاح، که شور و شوق مبارزه لحظه‌ای وی را ترک ننگفته بود، در جستجوی بهترین و کاملترین مسیر رزم حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران را یافت. راهی که بگفته خودش «هر وجیش با خون و معرفت انقلابی فروش شده است»

خصوصیات انسانی رفیق که در میدان رزم و کار شکل گرفته بود، در رابطه با خانواده، دوستان و زحمتکش دیارش و رفقای همراهِ هم رزم وی همیشه تحسین انگیز

درآمد نفت از طریق استفاده مستقل از امکانات بازرجانی در مجموع خود، - سوق ایران در جهت تشدید وابستگی به امریالیسم از طریق ایجاد صنایع مونتاژ. - مخالفت از توسعه مناسبات فنی - اقتصادی ایران با کشورهای سوسیالیستی، نقش مهمی در تحقق این استراتژی نواستعماری داشت. زیرا امریالیستها بخواهی میدانستند، که گسترش این مناسبات، اهداف آرزومندانه آنها را در ایران با خطر جدی مواجه خواهد ساخت.

تحلیل روابط کشورهای سوسیالیستی با «جهان سوم» نشانگر آنست که این مناسبات، که بر اساس برابری، سود متقابل و عدم مداخله در امور داخلی کشورها استوار است، در عین حال راه دستیابی به استقلال اقتصادی را هموار می‌سازد. هدف نهائی دول امریالیستی و انحصارهای خارجی غارت منابع طبیعی، استثمار زحمتکشان و انتقال بخش قابل توجهی از درآمد ملی کشورهای رشد یابنده به کشورهای خودی است. کشورهای «جهان سوم» از دول مداخله طلب و انحصارهای امریالیستی حائز اهمیت اند، به معنای منبع مواد خام استراتژیک و به عنوان بازاری در دسترس سرمایه کالا.

اما کشورهای سوسیالیستی، بنا بر ماهیت ضد امریالیستی خود، در تأمین استقلال اقتصادی این کشورها دینمند و به همین سبب همکاریهای آنها با دول در حال رشد متوجه ایجاد صنایع مادر و کلیدی بر پایه منابع داخلی است. اکثر صنایع سنگین و صنایع واسطه‌ای در خلی از کشورهای رشد یابنده به کمک دول سوسیالیستی عضو شورای همکاری اقتصادی احداث گردیده است.

اگر در سال ۱۳۳۱ کشورهای سوسیالیستی عضو شورای همکاری اقتصادی، با ۳۶ کشور رشد یابنده مناسبات اقتصادی فنی داشتند، در سال ۱۳۵۸ تعداد آنها به ۸۶ رسیده، که از آنجمله ۲۵ کشور آسیائی، ۲۱ کشور آفریقائی و ۲۰ کشور آمریکائی لاتین.

حزب توده ایران یکی از سرسخت‌ترین و پیکرترین مبارزان راه تأمین استقلال اقتصادی ایران بوده و هست. درست به همین دلیل ما خواهان گسترش مناسبات ایران با کشورهای سوسیالیستی هستیم و معتقدیم که این مناسبات، که بر اساس برابری، سود متقابل و عدم مداخله در امور داخلی کشورهاست، بسود مردم و استقلال کشورهاست.

حزب توده ایران یکی از سرسخت‌ترین و پیکرترین مبارزان راه تأمین استقلال اقتصادی ایران بوده و هست. درست به همین دلیل ما خواهان گسترش مناسبات ایران با کشورهای سوسیالیستی هستیم و معتقدیم که این مناسبات، که بر اساس برابری، سود متقابل و عدم مداخله در امور داخلی کشورهاست، بسود مردم و استقلال کشورهاست.

از توطئه‌های احتمالی امریالیستها غافل نباشیم

ان اخ الحرب الالاق، برادر جنگجو هوشیار است. تجر بهی خونین خلقهای تحت ستم و همچنین ملل رها شده از چنگال امریالیستها به ما می‌آموزد که این دشمنان خونخوار بشریت، برای حفظ منافع خود، از هیچ گونه توطئه و چنایتی فروگذار نخواهند کرد. به ویژه پس از شکست مفتضحنای تجاوز نظامی اخیر امریکا به ایران علیرغم اینکه مطابق برخی اخبار امریکا

در مطبوعات کشور

به دهان منتقل می‌کنند، اگر این تفرقه در داخل نیروهای خلق گذاشته است، در حال، احتمال حملات و تجاوزهای بعدی برای دستیابی به اهداف امریالیستی به هیچ وجه منتفی نیست. در این میان آنچه که بسیار قابل اهمیت و ارزشمند است هشدار و آگاهی مردم در قبال امریالیسمی باشد. امروزه در میان مردم همه جا صحبت از دخالت نظامی امریکاست و مردم اخبار پیرامون آن را دکان

شانس پیروزی تیم کشتی ایران در مسابقات المپیک مسکو زیاد است



بسدنابل پیروزی تیم کشتی ایران در نخستین دور مسابقات بین‌المللی کشتی «جام تختی»، برای آشنا کردن بیشتر خوانندگان با قهرمانان تیم ملی کشتی ایران، با رضا سوخته‌سوالی، قهرمان ارژنده کشتی ایران، به مصاحبه پرداختیم.

خبرنگار نامه مردم: پس از تبریک به خاطر پیروزی درخشان تیم ملی ایران، از سوخته‌سوالی پرسید، چند سال دارید و از کجای ورزش کشتی را شروع کرده‌اید.

سوخته‌سوالی گفت: «۲۷ ساله هستم و در حدود ۹ سال است که به کشتی مشغولم. من چون شهرستانی هستم و اهل مازندران، از همان اوایل کار به کشتی‌های محلی آن دیار علاقه زیادی داشتم و ضمن تحصیل در مدرسه، به این قبیل کشتی‌ها نیز می‌پرداختم. مدت زیادی در اوایل کار به باشگاه نرفتم و تنها پس از وارد شدن در خدمت سربازی در سن ۱۸ سالگی به باشگاه ورزشی رفتم. در آن موقع از لحاظ تکنیک و فنون کشتی ضعیف بودم، لیکن از لحاظ قدرت بدنی درآمدگی خوبی به‌سرمیبرد.»

خبرنگار نامه مردم: پرسید، راجع به کیفیت تیم ایران در مسابقات جام تختی و حریفان جدی ما در این مسابقات چه نظری دارید؟

سوخته‌سوالی در جواب گفت: «تیم کشتی ما خیلی خوب ظاهر شد و مهربان نیز زحمت خیلی زیادی برای آمادگی تیم کشیده بودند. به‌جای ما اکثر جوان بودند، بطوریکه سن‌ترین آنها خود من بودم. از میان چهاره‌های جوان ما، که خیلی خوب برخشدند، «تهرانی» در ۴۸ کیلوگرم بود، که با ۱۸ سال سن توانست در فرم خیلی خوبی ظاهر شود. در میان حریفان تیم ایران، چندی تریشان تیم‌های شوروی و بلغارستان بودند. البته سایر حریفان نیز کیفیت خوبی داشتند، بطوریکه حتی تیم پاکستان هم آنطوری که ما فکر می‌کردیم و در اصطلاح ورزش کشتی روبرو شدن با اینچنین تیم‌ها را «استراحت» می‌گوئیم، ضعیف نبود و خوب ظاهر شد.»

خبرنگار نامه مردم: درباره شرکت تیم‌های ورزشی ایران در المپیک مسکو و شانس تیم کشتی ایران در این مسابقات سؤال کرد.

سوخته‌سوالی در پاسخ گفت: «من فکر میکنم ورزشکاران ایران به خاطر زحمات زیادی که برای آمادگی در این مسابقات کشیده‌اند، باید در المپیک مسکو شرکت کنند. کشتی‌گیران ما هم از سوم خرداد دوباره به اردو می‌روند و خود را برای شرکت در این مسابقات آماده می‌کنند. شانس تیم کشتی ایران در این مسابقات زیاد و بیشتر از سایر رشته‌هاست ولی فکر نمی‌کنم بتوانیم در آنجا همان نتایج مسابقات «جام تختی» را داشته باشیم، چون حریفان ما در المپیک مسکو خیلی قوی‌ترند.»

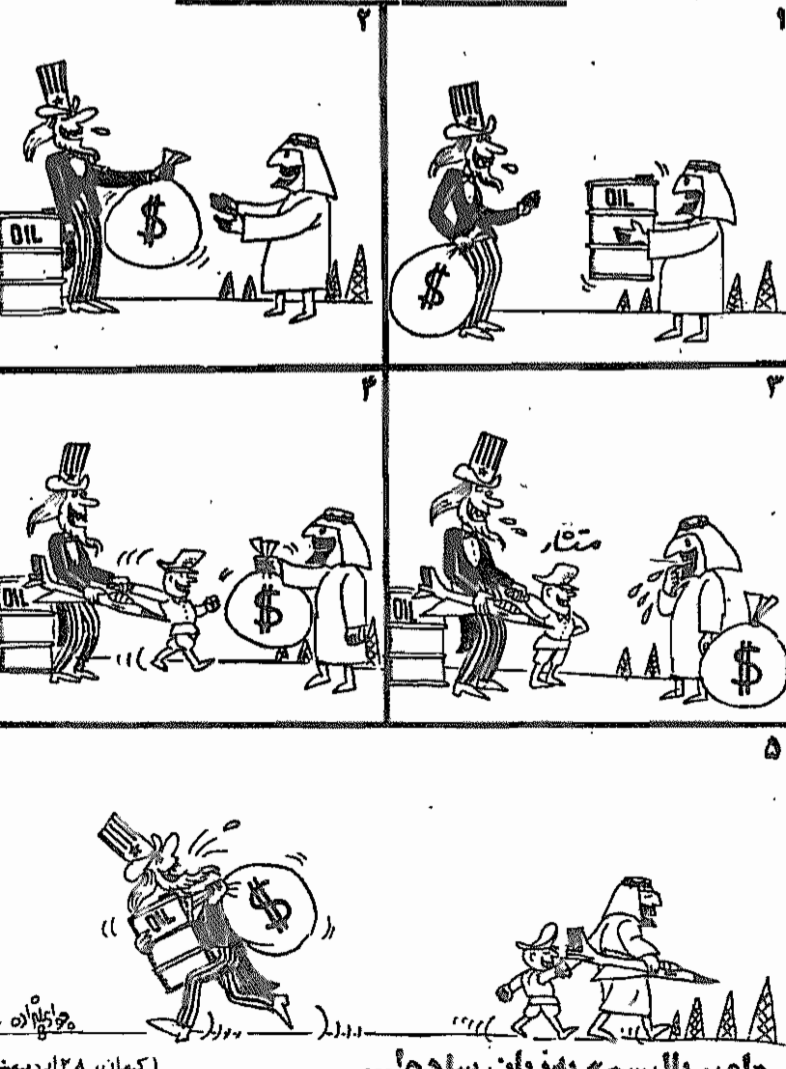
رضاسوخته‌سوالی در مصاحبه با خبرنگار نامه مردم

سؤال دیگر خبرنگار نامه مردم: از سوخته‌سوالی درباره برنامه‌های فدراسیون کشتی برای رشد و گسترش و همکاری کردن این رشته ورزشی بود.

سوخته‌سوالی گفت: فدراسیون کشتی اکنون سعی میکند با تقویت باشگاههای ورزشی در سراسر ایران، ترتیب اردوهای بی‌دردی و اعزام تیم‌های کشتی به مسابقات بین‌المللی، در جهت پیشرفت این ورزش گام بردارد. ولی باید سازمان ورزش ایران امکانات بیشتری در اختیار فدراسیون کشتی بگذارد، تا این فدراسیون بتواند در جهت کارها و برنامه‌هایش سریعتر و بهتر پیش‌رود.

در پایان ضمن تشکر از سوخته‌سوالی، خواستیم که اگر پیامی دارد بگوید.

سوخته‌سوالی گفت: «ما انتظار داریم که مقامات مسئول مملکتی توجه بیشتری به این رشته ورزشی و هم‌چنین به ورزش ایران بطور کلی بکنند و با توجه به اینکه در خیلی از شهرستانها امکانات ورزشی موجود نیست و جوانان به اعتیاد کشیده می‌شوند، امکانات ورزشی بیشتری در اختیار شهرستانها و ورزشدانان در سراسر ایران بگذارد.»



«امپریالیسم» به زبان ساده!... (کیهان، ۲۸ اردیبهشت)

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید!

شوخی نیست...

«سازش دو ابر قدرت»؟!

از روزنامه لوموند مورخ ۱۸ و ۱۹ مه ۱۹۸۰ (۲۸ و ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹)

پس از سه ساعت مذاکره در وین:

ماسکی نتوانست موافقت گرمیکو را برای شرکت در یک گفتگوی دیگر جلب کند.

وین - لیکنند شکوفائی که روز پنجشنبه بر لبان ادموند ماسکی نقش بسته بود، روز جمعه بتدریج محو شد. ساعت ۲۰ روز ۱۵ مه، هنگامیکه وزیر امور خارجه آمریکا، پس از سه ساعت گفتگوی خصوصی با گرمیکو، از محل برگزاری مذاکره خارج می‌شود و بسوی روزنامه نگاران می‌آید، حتی تاحدی رنگ پریده است. چند جمله‌ای که عجلانه ادا میکند، محلی برای هیچکس ترید باقی نمی‌گذارد؛ ملاقات سه‌ساعه به شکست منتهی شده است. ماسکی نمیتواند کوچکترین نکته مثبتی را اعلام‌آورد و حتی بفکر نیافتد که مواضع آمریکا را مجدداً تأکید کند.

ماسکی از یک «بحث طولانی و جدی دربارهٔ رشته‌ای مسائل که جنبهٔ عملی دارند» سخن می‌گوید و اعلام می‌دارد که همانگونه که معتقد بود، مذاکرات کلسا ضرورت داشته و اظهار امیدواری می‌کند که این گفتگوها به مذاکرات دیگری بیاچماید، که بتواند تاحدی به اجازت دهد، اختلافاتمان را حل نماید. همین‌و پس، اما این اظهار امیدواری، و یکبار بردن «اگر و مگر» مفهوم بسیار دقیقی دارد. وقتی ماسکی به گرمیکو اظهار داشت که مایل است قبل از تابستان مجدداً با او ملاقات کند، یادآور اسکوت موجه شده است. قدرتی که مبتکر تحریر بازاریهای المپیک مسکوبه و پس از حوادث افغانستان تصمیماتی بمنظور آوردن فشارهای اقتصادی به شوروی اتخاذ کرده است، توسط همان کشوری که میخواست او را در جایگاه متهمین بنشانند، عقب رانده شد.

اینهمه اعتراف یک روزنامه بورژوازی! مثل اینست که هواداران نظریه «سازش دو ابر قدرت» برای اثبات «تئوری» قلابی و ارتجاعی خود باید در جستجوی سفسطه دیگری بر آیند!

شاعره نمای بی ذوق

خبر رسیده که هم‌امیر افشار، نر آنه‌سای محافل طاغوتی و شاعر مر نامی کذایی، ملقب به «زرزساند ایران» اخیراً در یک بن‌شبه در سلطنت آباد سابق، سرمد انزاده ناب، شری مرتکب شده است! علی‌مخدره شام‌مخلوط را به‌درنای تشبیه کرده. که پس از چندین دوری، به آشیانه پر خواهد کشید...

بیت

هما در خواب بینه پنه‌دانه گهی تالد گهی خواند ترانه به‌کر کس گفت در نا احوالجاپ می طاغوت را هم این نشانه!

صداقت کامل

رئیس هیئت نمایندگی پاکستان در کنفرانس اسلامی گفته است: «موضوع اصلی کنفرانس خروج کامل سربازان شوروی از افغانستان است.» (انقلاب اسلامی - ۲۷ اردیبهشت) - بالاخره یکی پیدا شده که با صداقت کامل اصل جریان را کف و خیال همه را راحت کرد.

بامزه

دولت افغانستان با انتشار بیانیه‌ای ادعای خیر کرداریهای امپریالیستی را که گویا شهر هرات بدست «مخالفان» افتاده است، بی اساس و بی‌شوخی بی‌مزه توصیف کرد. (نامه مردم) - بامزه اینجا است که این شوخی‌های «بی‌مزه» مرتب از صدا رسیمای جمهوری اسلامی ایران شنیده میشود.

آشنایی

اخیراً کمیته‌ای بنام «کمیته دفاع از افغانستان» در ایران تشکیل شده، که پشت‌سرم اعلامیه‌های توفانی دربارهٔ این کشور میدهد. برای اینکه بدانید چه کسانی می‌زم به‌تور امپریالیسم می‌ریزند و مساله افغانستان را باد میدهند که ارباب‌داران زور‌ضربه خارج کنند، یکی از مؤسسان این کمیته را خدمتتان معرفی می‌کنم!

آقای ابوالفضل قاسمی!

حضرت اجل انقلابی نامی... بلکه خودشان هستند! کروهک اشرار دهقانی، حکومت جدید... در یک سازش با آمریکا... بروی کار آمد. پس لابد هوایی‌های آمریکایی بعلم‌سازش‌ناپذیری کروهک اشرار دهقانی به ایران تجاوز کردند؟!

آقایان وقت ندارند

دادگاه انقلاب اسلامی مشهد اعلامیه‌ای صادر کرده و گفته، «باتوجه‌باینکه از بخشی اطلاعیه قبلی دادرسی انقلاب منی بر مرفی مساموران و کارمندان و منابع ساواک منحل و کلیه مسئولین و افرادی که تحت تعقیب این دادسرا بوده‌اند چند روز میگذرد و هنوز عده‌ای از این عناصر خود را معرفی ننموده و یا به عناوین مختلف از حضور در گروه تحقیقات دادسرای انقلاب اسلامی مشهد طفره رفته‌اند...» - سرشان خیلی شلوغ است، بخصوص ایترونها در کردستان و خوزستان و تهران و... خیلی کار دارند و وقت نمی‌کنند که بروند خودشان را معرفی کنند!

امان از این گروگان‌گیری!

کروهک چین - آمریکا ساخته در تبران، از همان آغاز، با اغفال لانه جاسوسی آمریکا پس در هراس افتاد و هر چه جو شد - آمریکایی بالامیکرفت، دست‌و‌پای کروهک لرزان‌تر میشد، تا اینکه رسماً اعلام کرد، که:

مسئله گروگان‌گیری موضع ایران را در سطح بین‌المللی تا حدودی تضعیف و غور و مشکلائی برای انقلاب ایران بیار می‌آورد. (رتیبر - شماره ۵۳)

ضیاء الحق: فکر میکنم آمریکا باید از پاکستان بهره‌برداری کند، زیرا پاکستان عامل اصلی حفظ منافع نفتی است

باور کردنی نیست، اما حقیقت دارد. ضیاء الحق، سرپرده رسوای آمریکا در پاکستان، با بهیترنی آشکارا از اربابان خود دعوت کرده است که بیشتر از پاکستان استفاده کنند بنا به گزارشهای رسیده از آمریکا ضیاء الحق در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی «سی-بی-اس» سخنان شاه مخلوع را تکرار کرد و گفت: «پاکستان امروز یک جزیره ثبات است و بدین دلیل است که فکر میکنم آمریکا باید از آن بهره‌برداری کند، زیرا پاکستان عامل اصلی حفظ منافع نفتی است.»

ضیاء الحق با سرحات از اربابان آمریکایی خود خواست که هر چه شدیدتر با جنبشهای آزادیبخش مبارزه کنند. سخنان ضیاء الحق در این مورد چالب است.

«دوستان (بخوان: نوکران) آمریکا انتظار دارند که این کشور فعالتر و پر خاشخو تر بوده و مواضعی را که از دست داده است، بازستاند. ما قویاً انتظار داریم که آمریکا خود را نشان دهد و ثابت کند که یک ابر قدرت است. آمریکا فانوس دریایی جهان آزاد است و باید به همین طریق نیز عمل کند.»

این یادوی رسوای آمریکا ضمن این تملق و جاپلوسی، از آمریکا تمنا میکند که ارباب در حفظ رژیم سرپرده وی جدیدت نشان دهد. ضیاء الحق میگوید:

«اگر پاکستان از دست برود (بخوان: قیام خلق پیروز شود و رژیم سرپرده سرنگون گردد) دیگر شنیدن نام آمریکا از ترکیه تا ویتنام بسیار دشوار خواهد بود.» ضیاء الحق بر زبانی در این پخاطر عدم قاطعیت، مورد حمله قرار میدهد و میگوید بر زبانی زمانی بسوی افغانستان تنگ نشانه رفته بود، اما اوضاع حالا مانند گذشته است. جناب دیکتاتور در این مصاحبه همچنین اعتراف میکند که «دک‌های انسانی» (۱) در اختیار شورشیان افغانی قرار میدهد.

سخنان ضیاء الحق بی‌نیاز از هر گونه تفسیری است. زیرا این سخنان ماهیت رژیم سرپرده پاکستان را بخوبی نشان میدهد.



جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین: ملت‌های مسلمان اجازه نخواهند داد کنفرانسی که بنام اسلام برپا شده است به منافع دشمنان اسلام خدمت کند

جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین با انتشار بیانیه‌ای در بیروت اعلام کرد که در حالی که اسرائیل بیت‌المقدس را پایتخت رسمی خود اعلام کرده است، کنفرانس اسلامی هیچ واکنش ملموسی در برابر این اقدام انجام نداده است. اینجبهه اعلام کرد که کنفرانس اسلامی برای مسئله بیت‌المقدس و آرمان فلسطین هیچ گونه اولویتی قائل نشده و این دو مسئله حیاتی را در کنار بقیه‌مسئله مورد مذاکره قرار داده است و این امر میتواند یک خیانت تلقی شود. جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین در قسمت دیگری از بیانیه خود می‌نویسد که پارهای از کشورهای تالی‌دارند کنفرانس اسلامی را در خدمت امپریالیسم و صهیونیسم قرار دهند و از این طریق به منافع دشمنان اسرائیل در ایران و افغانستان کمک کنند.

در بیانیه آمده است که ملت‌های مسلمان اجازه نخواهند داد کنفرانسی که بنام اسلام برپا شده است، به منافع دشمنان اسلام خدمت کند. جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین تأکید کرد که کنفرانس اسلامی هنگامی برپا شده، که اسرائیل حالات ددمنشانه خود را در جنوب لبنان افزایش داده است و این در حالی است که بسیاری از سرپرده‌گان آمریکا و حامی اسرائیل در کنفرانس شرکت دارند.

سازمان همبستگی ملل آسیا و آفریقا: امپریالیسم میکوشد تا اسلام را علیه منافع ملل مسلمان بکار برد سازمان همبستگی ملل آسیا و آفریقا، ریاستی نیروهای امپریالیستی و کشورهای دست‌نشانده امپریالیسم را، که برخی نیز در کنفرانس وزیران خارجه کشورهای اسلامی شرکت دارند و میکوشند تا خویش را به منافع مدافعان اسلام وانمود سازند، محکوم کرد.

در اعلامیه دبیرخانه دائمی سازمان نامبرده، که در قاهره منتشر شد، یادآوری می‌کند که، امپریالیسم می‌کوشد تا اسلام را علیه منافع ملل مسلمان بکاربرد. سازمان همبستگی ملل آسیا و آفریقا، اضافه میکند که هدف امپریالیسم، تفرقه‌افکنی میان این ملتها و تقویت مواضع خود است.

جشنواره بزرگ سینمایی تاشکند گشایش یافت

جشنواره بزرگ سینمایی تاشکند، پایتخت جمهوری ازبکستان شوروی، با شکوه فراوان گشایش یافت. در این جشنواره بزرگ بیش از هشتاد کشور آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین شرکت کرده‌اند. سازمان آزادیبخش فلسطین و نیروهای میهن پرست شیلی نیز در جشنواره سینمایی تاشکند شرکت دارند. این جشنواره‌ها شمار صلح، ترقی اجتماعی و آزادی خلق‌ها بر گزار شد.

بانو ایندیرا گاندی، نخست‌وزیر هند، با طبل محافل امپریالیستی رامبسی افغانستان هدفهای توسعه طلبانه دارد

بانو گاندی در مصاحبه با یک ایستگاه رادیویی آلمان فدرال ضمن بیان این مطلب تذکرید کرد که شواهد و دلایل موجود نشان میدهند که اندکتر کشورها با هدفهای خرابکار و مزدور به افغانستان فرستاده میشود و اگر فرستادن این خرابکاران قطع شود، نیروهای محدود اتحاد شوروی نیز از افغانستان خارج خواهند شد.

نودمین زادروز هوشی مین در ویتنام

به مناسبت نودمین سالگرد تولد هوشی مین در سراسر جمهوری سوسیالیستی ویتنام جشن‌های با شکوهی برگزار شد. در کارخانه‌ها، مدارس، دانشگاهها و مزارع، سردم سالروز تولد رهبر بزرگ خود را گرامی داشتند. همین مناسبت در مسکو یک کنفرانس علمی تشکیل شد، که دانشمندان علوم اجتماعی کشورهای مختلف، از جمله ویتنام در آن شرکت دارند.

مناسبات جمهوری سوسیالیستی ویتنام و جمهوری دمکراتیک افغانستان تحکیم میشود

لهدو آن رهبر حزب کمونیست ویتنام، در هانوی با یک هیئت از حزب دمکراتیک خلق افغانستان ملاقات کرد. در این دیدار لهدو آن، ضمن اشاره به تحکیم روابط جمهوری سوسیالیستی ویتنام و جمهوری دمکراتیک افغانستان، از پیروزی‌های خلق افغانستان در مبارزه علیه توطئه‌های امپریالیسم جهانی، از تجاع بین‌المللی و ماتوئیست‌های چین ابراز رضایت کرد.

حزب کمونیست آمریکا یکبار دیگر توطئه‌ها و تحرکات مسلحانه هیئت حاکمه این کشور را علیه ایران قویاً محکوم کرد

کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا در بیانیه‌ای تأکید کرد که «حملات و توطئه‌های پیش‌مانه، نظامی علیه ایران نشان داد که هیئت حاکمه واشنگتن برای جان افراد گروگان گرفته شده کوچکترین ارزشی قائل نیست و دولت کاتر با دست زدن به حملات و تحرکات نظامی تلاش دارد رژیم ایران را سرنگون سازد. تا شرکت‌های غارتگر نفتی و انصارات بتوانند بهار دیگر آزادانه مردم ایران را غارت کنند. در بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا اضافه شده است که اصلاً به این‌حمله‌نازی نبود. دولت آمریکا یک کمک سیا تلاش کرد که بر ضد مردم ایران دست به توطئه و خرابکاری بزند و اگر به فوایج خود در ایران اعتراف میکرد، مسئله حل شده بود.»



میزگرد در انجمن اسلامی دانشگاه آزاد «شهر کرد»

به دعوت انجمن اسلامی دانشگاه آزاد شهر کرد، روز ۲۸ اردیبهشت، میزگردی جهت بحث پیرامون «انقلاب فرهنگی چیست؟» در این دانشگاه برگزار شد.

برای تشکیل این میزگرد از حزب جمهوری اسلامی، کانون توحیدی دانشجویان و دانش‌آموزان، هسواداران سازمان چریکهای فدائی خلق، انجمن جوانان مسلمان و حزب توده ایران در شهر کرد دعوت بعمل آمده بود، که نماینده حزب جمهوری اسلامی، حزب توده ایران و کانون توحیدی دانشجویان و دانش‌آموزان در آن شرکت کردند.

نمایندگان فوق‌نقطه نظرهای خود را در مورد انقلاب فرهنگی تشریح کردند. نماینده حزب توده ایران پس از تفسیر از بر گسار کنندگان میزگرد، ضرورت ایجاد چنین میزگردهایی را که می‌تواند زمینه ساز اتحاد نیروهای انقلابی باشد، یادآوری کرد و به تشریح چگونگی انقلاب فرهنگی پرداخت و ضمن جلب توجه همگان به موفقیت حساس کنونی کشور و برای حفظ دستاوردهای انقلاب و پیشبرد امر انقلاب فرهنگی، ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق را مطرح کرد.

اودر سخنان خود همهٔ نیروهای ضد امپریالیست را به تشکیل جبهه متحد خلق دعوت کرد. این میزگرد با حضور جمعی از مردم، از جمله دانش‌آموزان و دانشجویان و در محیطی آرام و با تقاضای کامل برگزار گردید.

دنیای

را میتوان از تمام کیوسکهای فروشی نشریات خرید

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر یزادی

خیابان ۱۹ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۵۹
شماره تلکس: 214081 TPI IR
چاپ، کلویان

MARDOM

No. 240
21 May 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هواها در حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، و همچنین اعضای قدیمی حزب توده ایران که در گذشته بدلیل کوتاگون ارتباطشان با حزب قطع شده، می‌توانند علاوه بر ایام هفته، روزهای جمعه از ساعت ۱۱ تا ۱۹ صبح و از ۲۴ تا ۵۲ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ قطع شده، می‌توانند علاوه بر ایام هفته، روزهای جمعه از ساعت ۱۱ تا ۱۹ صبح و از ۲۴ تا ۵۲ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود